

آزادی

مسکن

کار

جمهوری فدراتیو شورائی



برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست



<https://fedayi.org>
webmaster@fedayi.org

فدائیان کمونیست در شبکه های اجتماعی

<https://telegram.me/fedayi1349>

twitter.com/EfkFedayi

www.instagram.com/fedayi_communist

www.facebook.com/kare.communist

+46738924823

کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست

فهرست

- تاریخچه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۴
- توضیح مختصر درباره ساختار برنامه ۱۲
- مقدمه ۱۸

فصل اول

- مبارزه طبقاتی و کمونیسم ۲۲
- ماهیت نظام سرمایه داری و اجتناب ناپذیری انکشاف آن در جهت کمونیسم ۲۲
- انقلاب اجتماعی طبقه کارگر و برقراری سوسیالیسم راه رسیدن به چنین جامعه ای است ۲۸
- سوسیالیسم و دموکراسی ۳۱
- دولت در سوسیالیسم ۳۲
- کار در سوسیالیسم ۳۴
- مسأله مالکیت ۳۶

فصل دوم

- مشخصات عمومی حزب کمونیست ۳۸
- حزب یک نیروی انتقادی ۴۲

فصل سوم

- ضرورت بازنگری گذشته ۴۴
- سیمای عمومی سرمایه داری در قرن بیستم ۴۴

فصل چهارم

- سوسیالیسم ۵۶

فصل پنجم

- سیمای عمومی سرمایه داری در ایران از آغاز قرن ۶۵

فصل ششم

- سیمای عمومی سوسیالیسم در ایران ۷۱

فصل هفتم

- ترکیب طبقاتی جامعه بعد از قیام بهمن ۵۷ ۷۹
- کشاورزی ۸۰
- خرده بورژوازی ۸۱
- طبقه کارگر ۸۲
- بیکار ۸۵
- ترکیب ملی و فرهنگی ۸۵
- مذهب ۸۶

فصل هشتم

- برنامه سیاسی ۸۷
- قانون اساسی جمهوری فدراتیو شورایی ایران ۹۰

فصل نهم

- استراتژی اتحاد های طبقاتی ۱۰۰
- در زمینه حقوق و آزادی های سیاسی ۱۰۰
- در زمینه رفاه عمومی ۱۰۱
- مبارزه برای تحقق حقوق زنان ۱۰۲
- مبارزه برای تأمین حقوق کارگران ۱۰۳
- در زمینه کار و زندگی در روستا ها و کشاورزی ۱۰۵
- فراخوان به وحدت و انسجام جنبش کمونیستی ۱۰۶

تاریخچه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

.....

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بخشی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است که در تاریخ بهمن ۱۳۴۹ با حماسه سیاهکل متولد شد. فدائیان کمونیست قبل از قیام بهمن ماه ۵۷ در کنار سایر رزمندگان راه آزادی بر علیه نظام شاهنشاهی مبارزه کردند و با امید به پیروزی در سرنگونی رژیم شاه نقش مهمی بازی کردند. بعد از شکست انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی، فدائیان کمونیست به همراه بخشی از مردم کارگر و زحمتکش در کارخانه ها، دانشگاه ها مدارس و روستاها که منافع خود را در تضاد با حاکمیت سرکوبگر جدید میدیدند، به تداوم انقلاب پای فشردند در سازماندهی و هدایت مبارزات کارگران، دهقانان، زنان و سایر اقشار اجتماعی شرکت کردند.

به موازات تحولات اجتماعی و اقتصادی، تشدید مبارزه طبقاتی موجب تغییر و تحولاتی در سازمانهای سیاسی شد. در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز تحولات به شکل انحرافات مختلف سیاسی و انشعابات و انشقاقات متعدد بروز یافت. سازمان چریکهای فدائی ایران در شرایطی بوجود آمد که ایران در حال گذار از جامعه ای نیمه فئودالی به جامعه ای سرمایه داری بود علاوه بر آن سرعت این رفرمهای ارضی در دهه چهل، هجوم خیل عظیم نیروی کار از روستاها به شهرها، سطح پائین آگاهی و جوان بودن طبقه کارگر، و خیل بیشمار حاشیه تولید به همراهِ اوضاع بین

المللی و تاثیر آن بر شکل گیری افکار و نگرش روشنفکران انقلابی و مترقی شرایط اجتماعی و سیاسی ویژه ای را پدید آورده بود. یک چنین وضعیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی طبیعتاً در شکل گیری احزاب و سازمانهای سیاسی مطالبات مردم و روشنفکران جامعه، افکار، عقاید برنامه های سیاسی روش های مبارزاتی تاثیر میگذاشت. این وضعیت اجتماعی در سازمان ما نیز که مبارزه علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب را وجهه همت خود قرار داده و با هدف استقرار سوسیالیسم تاسیس یافته بود.

رواج دیدگاههای عموم خلقی و در برنامه و سبک کار و اشکال مبارزاتی ناشی از آن را بدنبال داشت. در سازمان ما از همان بدو تاسیس هم گرایشات سوسیالیستی، کارگری و هم عموم خلقی و رفرمیستی با عمده کردن مبارزه علیه رژیم شاه و حامیان امپریالیست آن با محوریت مبارزه مسلحانه به حیات خود ادامه دادند. اما روشن بود که با تشدید مبارزه طبقاتی این اتحاد نمیتواند پایدار بماند و نماند. با تشدید مبارزه در اواخر دهه پنجاه و قیام توده های مردم در سال پنجاه و هفت و تحولات متعاقب آن بصورت انشعابات متعدد در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران متبلور شد. علاوه بر انشعابات ریز و درشت در سال پنجاه نه بزرگترین انشعاب در سازمان تحت عنوان " اقلیت " و " اکثریت " بوقوع پیوست، بعد از آن نیز انشعابات در هر دو بخش تداوم یافت. در این مقطع در حالتی که هزاران کارگر، روشنفکر به امید تحقق خواسته هایشان و برای رسیدن به جامعه ای عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب به صفوف سازمان پیوسته و مبارزه عملی را در سطوح مختلف به پیش میبردند اعضای

تصمیم گیرنده در سازمان به عده ای اندک از رفقای محدود میشد که از سرکوبهای ساواک شاه جان سالم بدر برده بودند و یا به تازگی از زندانها آزاد شده بودند. فشار توده های تشکیلات که عملا درگیر مبارزه در مناطق مختلف کشور بوده و شاهد باز پس گیری دست آوردهای قیام توده ها توسط حاکمیت جدید و مامشات ، سازش و بی برنامه گی رهبری فدائیان بودند روز به روز فشار به رهبری را افزایش داده و خواهان موضعی مشخص در قبال وقایع اتفاقیه بودند.

در چنین شرایطی اختلاف بر سر ماهیت رژیم جدید به محور اختلافات در رهبری سازمان تبدیل شد و بدون اینکه مبارزه ایدئولوژیک همه جانبه ای صورت گیرد و توده های وسیع در جریان چگونگی این اختلافات قرار گرفته و در مبارزه نظری شرکت نمایند انشعاب در بالا بر سر ماهیت حاکمیت جدید رهبری و اندک اعضا را دور گروه اقلیت و اکثریت تقسیم کرد. اکثریت که راه سازش در پیش گرفت و از منافع طبقه کارگر و توده های مردم فاصله گرفت و به دفاع از حاکمیت جدید پرداخت ، در توده های تشکیلات امید زیادی به اقلیت بمثابه جریان انقلابی پدید آمد. اما رهبری اقلیت که مرزبندی قاطع و اصولی با گرایشات عموم خلقی و فرمیسیم و انواع انحرافات مترتب بر سازمان نداشت و یک انشعاب مکانیکی را سازمان داده بود در عمل نتوانست موضع انقلابی در برابر حاکمیت را به یک موضع کارگری و کمونیستی ارتقا دهد و حتی مبارزه ایدئولوژیک علنی که در مقابل اکثریت از آن دفاع شده بود به فراموشی سپرده شد و جای خود را به سرکوب نظرات مخالف داد. بنابراین انحرافات پیش گفته شده این بار نیز در سبک کار و مناسبات درونی ، برنامه ،

اساسنامه سیاست و تاکتیک و سازماندهی خود را نشان داد و رهبری اقلیت نه تنها در عرصه سیاسی چرخش اساسی از گرایش‌های انحرافی و عموم خلقی گذشته به سمت یک موضع طبقاتی کارگری و کمونیستی نکرد بلکه در عرصه تشکیلاتی و سازماندهی و ایجاد یک مناسبات حزبی قادر نشد به انبوه کارگران و زحمتکشان و جوانان روشنفکران برخاسته از این اقشار و طبقه که تا پای جان در راه تحقق آزادی و سوسیالیسم دست به مبارزه زده و در مقابل رژیم سرکوبگر پایداری نشان دادند، پاسخ خود را در کنگره اول نگرفت و بعد از آن بویژه مقابله با جریان سوسیالیستی و انقلابی تشدید شد و سیاست تشدید سرکوب ضربات متعدد رژیم این بحران را تشدید و پروسه تجزیه را تسریع نمود، که تا سال ۱۳۶۴ بصورت اختلافات و انشعابات متعدد بروز یافت.

در سال ۱۳۶۴ بزرگترین و دردناکترین انشعاب در چهارم بهمن رخ داد، بعد از این انشعاب نیز تجزیه و انشقاق تداوم یافت. بعد از شکل‌گیری هسته اقلیت و سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران " اقلیت " مسئله وحدت سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و هسته اقلیت و سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران " اقلیت " در دستور کار این سه جریان قرار گرفت فدائیان کمونیست در این مقطع تلاش کردند تا این پروسه را نه در یک جهت مکانیکی بلکه در یک جهت اصولی هدایت کنند یعنی از طریق نقد انقلابی در تمامی عرصه‌های برنامه، اساسنامه، سبک کار معطوف به نوسازی سازمان، اما بعد از یک مدت نسبتاً طولانی تلاش و انتشار چندین شماره نشریه مشترک " به پیش " این تلاش نیز با سد و مانع تفکرات که حاضر به بحث و نقد گذشته نبودند متوقف شد. با شکست این تلاش‌ها که

همراه با تحولات شوروی و اروپای شرقی بود و بعد از اینکه بخشی از رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به اتحاد فدائیان خلق پیوستند ، کمونیستهای فدائی به این نتیجه رسیدند که در چهارچوب تشکیلاتهایی که حاصل انشعابات مکانیکی بوده و حاصل گرایشات عموم خلقی و انحرافات گذشته هستند نمیتوان مسئله نقد گذشته ، نوسازی سازمان و تبدیل شدن به یک جریان کمونیستی و کارگری را متحقق ساخته بویژه اینکه تحولات مهمی هم در جهان صورت گرفته بود.

از این مقطع بدون اینکه به ندای جریانات و افرادی که خواهان برگزاری کنگره و ادامه فعالیت با نام و به شیوه سابق بودند ، پاسخ مثبت داده شود ، ضمن حفظ چهار چوب تشکیلات موجود سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازماندهی مبارزه مشترک در مسائل پیشاروی ، تصمیم گرفته شد تا پروسه نقد گذشته جنبش کمونیستی علی العموم و نقد گذشته سازمان بطور علی الخصوص بطور جدی و بدون هیچ سد و مانعی از جمله بدون در نظر گرفتن چهار چوب های سیاسی و ایدئولوژیک سازمانی مبارزه زده شود ، اتکا به مارکسیسم ، نقد گذشته بمنظور مرزبندی با انحرافات و اتکا به جنبش کارگری بمثابة یک جنبش اجتماعی و قرار دادن مبارزه برای استقرار سوسیالیسم بر مبنای مبارزه طبقاتی و مرزبندی قاطع با گرایشات عموم خلقی ، سکتاریسم ، رفرمیسم و غیره که میبایست بصورت علنی و با مشارکت سایر کمونیستها و فعالین جنبش صورت گیرد پایه این پروسه را تشکیل میداد . لذا از اواخر دهه شصت برگزاری سمینارهای وسیع در دستور قرار گرفت هدف از برگزاری این سمینارها که با مشارکت و شرکت وسیع سایر افراد و جریانات مواجه شد و تحول مهمی را در عرصه تفکر و

مناسبات بین نیروها بوجود آورد ما سه هدف را دنبال کردیم که میبایست از نقد گذشته و بررسی و تحلیل بحران جنبش کمونیستی در عرصه ایران و جهان حاصل میشد ، هدف ما از یافتن پاسخ به این مسائل در وجه خاص آن نوسازی سازمان بر اساس تفکر مارکسیستی و وجه عام آن یافتن راه حل تفوق بر پراکندگی جنبش کمونیستی در راستای تحقق حزب طبقه کارگر که از اهداف اولیه سازمان بود و سوم تلاش در جهت وحدت افراد و نیروهائی که هدف خود را برقراری سوسیالیسم قرار داده بودند.

نتایج سمینارهای مختلف و نشست ها و مباحثات متعدد در وجه عام آن به تشکیل اتحاد چپ کارگری منجر شد که علیرغم اشکالات آن هم اکنون در عرصه مبارزات مختلف حضور دارد و علاوه بر آن تلاشهای متعدد ما و چند جریان دیگر به شکل گیری نشست مشترک نیروهای چپ و کمونیست انجامیده که در این جهت نیز امیدواریم با تلاش و کوشش و یک پارچه کردن همه تلاش کنندگان در این راه به نتایج مطلوبی دست یابیم. و اما در عرصه خاص یعنی نوسازی سازمان که از اواخر سال شصت بموازات برگزاری سمینارها از طریق برگزاری جلسات و انتشار نشریه " به پیش " پیگیری میشد تا سال هفتاد و پنج مجموعاً ۹ نشست سراسری برگزار گردید در این دوره تمام نقد ما و جمع بندی های ما علاوه بر انتشار در بولتن های سمینارها و اتحاد چپ کارگری در نشریه " به پیش " در راه وحدت جنبش کمونیستی منتشر گردید.

سرانجام در نشست نهم تصمیم گرفته شد تا از آن پس دیگر تحت نام سازمان اتحاد فدائیان کمونیست به فعالیت خود تداوم بخشیم. نشریه کار نیز تحت عنوان کار کمونیستی منتشر شود و نشریه به پیش منعکس کننده

نظرات و مباحثات تنوریک باشد ، در این نشست ضمن تصویب حداقل مواضع جدید کمسیون برای تهیه برنامه و اساسنامه جدید شکل گرفت و قبل از تشکیل کنگره اول پیش نویس آن تهیه و انتشار علنی یافت اما در کنگره اول ضمن بحث حول برنامه و اساسنامه جدید قرار شد که کمسیون دیگری ضمن اصلاح آنها بار دیگر این اسناد را در سطح جنبش منتشر کرده و برای تصویب به کنگره دوم آماده نماید کنگره دوم سازمان با تصویب برنامه و اساسنامه جدید با تحلیل و ارزیابی از شرایط جدید استراتژی و تاکتیک های دوره ای سازمان و نیز سیاست ما در باره اتحاد های طبقاتی را که قبلا در نشریه " به پیش " انتشار علنی یافته بود مورد تصویب قرار داد . اکنون سازمان ما با اتکا به خط مشی روشن و مشخص که حاصل جمع بندی نقاط ضعف و قدرت جنبش کمونیستی و تحلیل و ارزیابی از شرایط ایران و جهان تدوین و تصویب شده اند در راه تحقق آرمان انسانی آزادی و سوسیالیسم مبارزه می کند و در تلاش است تا بتدریج با شیوه ای اصولی و انقلابی بخش های ضربه خورده سازمان را نوسازی کرده و در این راه از همه رفقای فدائی و کمونیست دعوت کرده است تا به سازمان به پیوندند و آنرا در راه رسیدن به آرمانهای انسانی خود یاری رسانند . سازمان فدائیان کمونیست با پیگیری روش های درست و اصولی و انقلابی کماکان در راه نوسازی سازمان ، وحدت جنبش کمونیستی ایران ، اتحاد سوسیالیستها و تمامی آزادی خواهان واقعی که برای آزادی از یوغ ستم و استثمار و زور و سرکوب مبارزه میکنند به تلاش خود ادامه خواهد داد .

توضیح مختصر درباره ساختار برنامه

برنامه حاضر مشتمل بر یک مقدمه و نه فصل است .

فصل اول :

بخش تئوریک برنامه را تشکیل می دهد که در این بخش با توجه به ضروریات زمان ، سعی شده است هدف مبارزه طبقاتی نه با فرمول بندی های کلی و قابل تفسیر ، بلکه بشکلی حدالمان ساده و مشخص تشریح شود ، ماهیت تکامل سرمایه داری و انکشاف آن به سمت سوسیالیسم و مشخصات آن ارائه گردد. در این فصل از جمله به مسائلی نظیر " سوسیالیسم و دموکراسی " ، " سوسیالیسم و دولت " ، مالکیت، کار و غیره پرداخته شده است .

فصل دوم :

مربوط به مساله مهم و مورد مناقشه یعنی حزب است . در این فصل مشخصات حزب کمونیست با توجه به جمع بندی تجربیات گذشته و چشم انداز آینده فرمول بندی شده است . خواننده با پدیده پیچیده حزب و ساختار فکری و تشکیلاتی آن باز و مشخص بپردازد . اشکالات، کمبودها و گیر و

گرفت های آن را لمس کند و از چگونگی حزبی که تشکیل می شود ، آگاه باشد و در ساختمان نظری و عملی آن مشارکت کند .

فصل سوم :

سیمای عمومی سرمایه داری در یک ونیم قرن گذشته را مورد بررسی قرار داده و مشخصات آنرا در دوره های مختلف این تکامل تشریح کرده است تا خوانندگان برنامه و مشارکت کنندگان در مباحثه بتوانند با مراجعه به هر بخش و بند ، با مطالعه و تحقیق ، با تاریخ و اشکال رشد سرمایه داری و مراحل مختلف آن آشنا شوند و از روند مبارزه طبقاتی دید روشن و علمی بدست آورند و اینکه جایگاه سوسیالیسم در این روند چگونه بوده است ، در فصل چهارم توضیح داده شده است .

فصل چهارم :

سیمای عمومی سوسیالیسم در یکصد و پنجاه سال گذشته فرمول بندی شده تا خواننده ضمن آشنایی با تاریخ سوسیالیسم و کمونیسم ، مرحله به مرحله رشد سرمایه داری ، تکامل مبارزه طبقاتی و مراحل مختلف شکست و پیروزی های سوسیالیسم را پیگیری کند .

فصل پنجم :

به مورد مشخص ایران بازگشت شده است . سیمای عمومی سرمایه داری در ایران طی یک صد سال گذشته بررسی شده است . در این بخش روند سرمایه داری و مراحل آن در ایران بررسی و فرمول بندی شده است تا خواننده با تاریخ رشد سرمایه داری و فراز و نشیب های آن در یک قرن گذشته در ایران آشنا و با تحقیق و مطالعه خود حول محورهای مورد نظر دیدی عینی و علمی واقع بینانه ای از روند رشد سرمایه داری در ایران بدست آورد. در این فصل نیز دوره های مختلف سرمایه داری ایران و نحوه تکامل آن بررسی شده است .

فصل ششم :

به سیمای عمومی سوسیالیسم در ایران طی یکصد سال گذشته پرداخته است . در این فصل مراحل مختلف رشد تفکر سوسیالیستی و شکل گیری آن و مبارزات و فراز و نشیب آن مور بررسی قرار گرفته تا خواننده با مطالعه تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری ایران ، با شکست و پیروزی های آن آشنا شود و به علل و عوامل و مشکلات آن پی ببرد و با مراجعه به این موارد و با مطالعه این تاریخ نسبت به گذشته جنبش کمونیستی و تاریخ پرفراز و نشیب آن اطلاع کافی داشته باشد .

فصل هفتم :

به ترکیب طبقاتی جامعه ایران بعد از قیام ۵۷ تا کنون پرداخته است در این دوره با بررسی ساختار اقتصادی جامعه ایران ، وضعیت طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر و افشار میانی روشن شده تا خوانندگان و شرکت کنندگان در مباحث برنامه با مطالعه دقیق تر اسناد و آثار مختلف و با مراجعه به آمار های موجود ، از ساختار اقتصادی اجتماعی ایران و توازن نیرو های طبقاتی دید روشن و واقع بینانه ای بدست آورند تا با گنجینه ای از آگاهی نسبت به تاریخ رشد سرمایه داری و سوسیالیسم در جهان ، تاریخ سرمایه داری و سوسیالیسم در ایران و وضعیت اقتصادی اجتماعی و توازن طبقاتی در ایران کنونی ، با دید آگاهانه در نتیجه گیری برای تدوین برنامه سیاسی مشخص جامعه ایران و استراتژی و تاکتیک های منتج از آن دخالت کنند و بر این مبنا اصلاحیه های خود را برای وارد نمودن در برنامه ارائه دهند .

فصل هشتم :

این فصل به برنامه سیاسی (انقلاب اجتماعی) اختصاص یافته که در واقع محصول مباحث ماقبل خود و نتیجه گیری از شرایط پیش گفته بشمار میاید . با جمع بندی تجربیات گذشته و علل شکستها و پیروزیها ، در این فصل سعی شده هدف مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم در ایران ، بی تعارف و صریح و روشن و در انطباق با ساختار اقتصادی و اجتماعی ایرن فرمول بندی شود . برای اولین بار در جنبش کمونیستی ایران ، مسأله قدرت

سیاسی ، وظایف و مضمون شوراها و اهداف سیاسی و اقتصادی آن از التقاط های موجود در برنامه ها جدا شده و هدف جنبش کارگری کمونیستی و برنامه رفرم در جایگاه خود قرار گیرند .

فصل نهم :

استراتژی اتحادهای طبقاتی را شامل می شود . این فصل که بر اساس برنامه و بعنوان حلقات زنجیره ای که پیروزی طبقه کارگر و تحقق انقلاب اجتماعی وی را تشریح می کند ، به سه بخش تقسیم می شود :

- ۱- وحدت نیروهای جنبش کمونیستی و برنامه پیشنهادی برای آن .
- ۲- جبهه فراگیر طبقاتی (اتحاد طرفداران سوسیالیسم و طبقه کارگر و زحمتکشان) یعنی نیروی کار در برابر سرمایه .
- ۳- جبهه متحد کلیه نیروهایی که برای آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه میکنند .

در بخش اول ضرورت وحدت فوری کمونیستها و مبانی آغاز مباحثات وحدت ذکر شده است که شامل وحدت و انسجام جنبش کمونیستی است و تمام نیروهای جنبش کمونیستی را مورد خطاب قرار می دهد ، تا گرد هم آمده و با گفتگو و تبادل نظر راه آغاز مذاکرات و مباحثات لازم برای رسیدن به وحدت اصولی را هموار سازند .

بخش دوم : مربوط به اتحاد طرفداران سوسیالیسم است که در این بخش اتحاد طبقاتی نیروهای طرفدار سوسیالیسم و طبقه کارگرمطرح است که در پاسخگویی به ضرورت اتحاد نیروی کار در برابر سرمایه و در انطباق با وضعیت اقتصادی اجتماعی ایران و شرایط آن تنظیم شده است که اتحاد همه طرفداران سوسیالیسم و طبقه کارگر خارج از عقیده و مرام و مسلک و مذهب را شامل می شود .

بخش سوم : به ضرورت جبهه وسیع طرفداران آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی میپردازد و مبانی و برنامه پیشنهادی تشکیل جبهه ای فراگیر از همه آنهایی که با وجود اختلافات برنامه ای ، سیاسی ، عقیدتی ، ایدئولوژیک و غیره اما برای در خواستهای فوری نظیر مفاد مطرح درمیثاق حقوق بشر ، آزادیهای سیاسی، و مطالبات دموکراتیک ، صنفی و سیاسی فعالیت می کنند را در بر می گیرد .

قرن بیست و یکم

و برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

مقدمه

یکصد و پنجاه سال بعد از انتشار مانیفست کمونیست و از کمون پاریس تا کنون پیکار آگاهانه طبقه کارگر برای کسب قدرت سیاسی و لغو مالکیت خصوصی بورژوایی بر ابزار تولید و لغو کار مزدی ، لحظات شورآفرین و پر افتخاری را به جامعه بشری ارزانی داشته است . هر بار که طبقه کارگر در گوشه ای از جهان توانسته دامنه مبارزه و مطالباتش را از حد رفرم فراتر برد ، چشم اندازهای جدیدی در برابر بشریت گشوده است . انقلاب اکتبر و پس از آن انقلابات بیشماری که در طول قرن بیستم تاریخ مبارزه طبقاتی را رقم زدند ، علیرغم فراز و نشیب های بسیار ، محققا پر افتخارترین صفحات تاریخ بشر را تشکیل می دهند . این میارزات نشانگر عزم و توانایی طبقه کارگر برای برچیدن نظام پوسیده سرمایه داری و دستگاه حکومتی آن و برقراری نظام سوسیالیستی مبتنی بر سازماندهی نوین اجتماعی بوده و هست . وضعیت کنونی نظام سرمایه داری حقیقت مبارزه طبقه کارگر و نیاز مبرم بشریت برای دگرگونی اساسی در مناسبات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی در جهان کنونی را توضیح می دهد .

امروزه در آستانه قرن بیست و یکم و در اوج جهانی شدن سرمایه با تمام پیشرفتهای عظیم و انقلابات تکنولوژیک و با وجود استفاده از پیشرفته ترین دستگاههای کامپیوتری و روبات ها در تولید انبوه ، اما میلیونها انسان در اقصی نقاط جهان در فقر و نداری و آوارگی بسر می برند ، میلیونها کودک در بدترین شرایط زیست محیطی توسط سرمایه داری مدرن به بدترین وجهی مورد ستم و استثمار قرار می گیرند ، زنان که بیش از نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند ، حتی در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری " متمدن " به اشکال مختلف تحت سمت جنسی و تبعیض قرار دارند . امروزه فقر و فاصله طبقاتی از هر زمان دیگر در تاریخ سرمایه داری بیشتر و بیشتر می شود . نه تنها در کشورهای فقیر بلکه در بسیاری کشورهای پیشرفته صنعتی بخش زیادی از مردم زیر خط فقر زندگی می کنند . الودگی هوا ، آب و زمین در نتیجه مصرف بی رویه مواد خام و سود اندوزی انحصارات ، بقدری افزایش یافته است که حیات نسل های آینده را با تهدیدی جدی مواجه ساخته است در نقاط مختلف جهان شعله جنگهای منطقه ای و جنگهای ناشی از رقابت انحصارات امپریالیستی ، همچنان ادامه دارند . میلیونها نفر در نتیجه جنگ ، بیکاری ، قحطی ، تجاوز به حقوق اولیه انسانی و تبعیض و فشار آواره می شوند . با وجود پایان یافتن جنگ سرد ، امکان جنگ بین کشورهای پیشرفته تر سرمایه داری و یا کشورهای تحت نفوذ آنها نه تنها از بین نرفته ، بلکه زمینه های بیشتری میابد . پیمانهای نظامی افزایش تولیدات و جنگ افزار های مدرن کشتار دسته جمعی بیش از پیش ادامه دارد .

در یک کلام جهان در زیر سلطه نظام سرمایه داری با بحران همه جانبه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی . اکولوژیک مواجه است که خود زائیده نظامی است که در آن اکثریت عظیم تولید کنندگان ، تنها بخش بسیار ناچیزی از نتایج کار خود را تصاحب می کنند در حالیکه بخش زیادی از آن تحت عنوان ارزش اضافی به جیب تعداد قلیلی سرمایه دار که صاحب ابزار تولید هستند سرازیر می شود تا دوباره در استثمار کارگران و باز تولید سود به کار افتد .

تا وقتیکه این تضاد باقیست ، بشر نه تنها از بحرانها و مصائب موجود خلاص نمی شود بلکه هر روز به سمت فاجعه ای که ممکن است به نابودی و بازگشت ناپذیری کل حیاتش منتهی شود سوق می یابد .

اما ایدئولوژیها تنورسینها و متفکرین بورژوازی و تمام روبنای فکری ، سیاسی و فرهنگی و اخلاقی آن تلاش می کنند این چهره واقعی نظام سرمایه داری را در هاله ای از تقدس بیوشانند و توده ها را به نتایج اصلاحاتی چند امیدوار و وضعیت موجود را ازلی و ابدی جلوه کنند . زرادخانه بورژوازی با تلفیق ماهرانه ابزارهای کهنه و مدرن و با بکار گیری آخرین دستاوردهای بشر در زمینه وسایل ارتباط جمعی ، نظیر رادیو و تلویزیون ، ماهواره ، کامپیوتر ، اینترنت و غیره سعی می کند روبنای ایدئولوژیک ، فرهنگی و اخلاقی جامعه را مطابق نیازهای سرمایه داری سازمان دهد .

برای خلاصی از بحرانها و مصائب ناشی از سرمایه داری باید برای برقراری آنگنان نظام اقتصادی اجتماعی ای تلاش کرد که در آن از مالکیت خصوصی و از استثمار انسان بوسیله انسان خبری نباشد . جامعه ای که

در آن قانون از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش به
اجرا در آمده باشد. یعنی جامعه سوسیالیستی و کمونیستی!

فصل اول

مبارزه طبقاتی و کمونیسم

سوسیالیسم و کمونیسم نه محصول تخیلات بشر دوستانه بوده و نه مفاهیم و مقولاتی مقدس هستند که در رویاهای مصلحین اجتماعی و در آرزوهای خام انسانهای ناتوان در برابر اتفاقات و حوادث تاریخی و طبیعی شکل گرفته باشند. کمونیسم محصول جامعه سرمایه داری مدرن و نتیجه جدال دو طبقه متضاد اجتماعیست: طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار که دو طبقه اصلی جامعه سرمایه داری معاصر را تشکیل می دهند.

ماهیت نظام سرمایه داری و اجتناب ناپذیری

انکشاف آن در جهت کمونیسیم

" تاریخ کلیه جوامع تا این زمان تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است " تاریخ مبارزه طبقاتی یعنی مبارزه طبقات استثمارگر و استثمار شونده ، میان طبقات فرمانروا و طبقات زحمتکش ، برده و آزاد ، رعیت و مالک ، کارگر و سرمایه دار ، با یکدیگر که مهر و نشان خود را بر تمامی وقایع تاریخ بشر و تحول و تکامل آن بر جای می گذارد .

اما تلاش و مبارزه محرومان و زحمتکشان در طول تاریخ ، خود انعکاسی از شیوه مسلط تولید و مبادله اقتصادی و جایگاه این طبقات در تولید اجتماعی بوده است . مبارزه بردگان علیه برده داری ، از حد لغو برده داری و تلقی رعیت ، صنعتکار ، پیشه ور و از آزادی ، از چهارچوب رهائی از بند نظام فئودالی و آزادی در مالکیت و کسب و کار و فراتر نبوده است . هر چند که این مبارزات با آرزوها و تمایلات مساوات طلبانه و آزادیخواهانه توأم بوده اند . تمام طبقاتیکه در گذشته به حکومت میرسیدند تلاش می کردند تا مناسبات بهره کشانه موجود را تثبیت کنند و آنرا تابع خویش سازند . اما با ظهور طبقه کارگر بعنوان نیروی عظیم تولیدی رها از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید ، معنی آزادی و برابری دگرگون شد ، طبقه کارگر نمی تواند آزاد شود مگر کل جامعه را از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و تقسیم جامعه به طبقات آزاد کند .

آنچه که کمونیسم را از انواع دیگر آرمانها و آرزوها و تلاشهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه اقشار و طبقات اجتماعی ادوار پیشین متمایز می سازد ، همین نقد رادیکال نظام اقتصادی اجتماعی و فکری سرمایه داریست که بمثابه آخرین شکل جامعه طبقاتی شناخته می شود .

اما جامعه بورژوازی خود محصول تکامل طولانی جامعه و حاصل دگرگونی هایی است که در طول تاریخ در شیوه تولید بعمل آمده است . علیرغم تحولاتی که سرمایه داری تا کنون از سر گذرانیده است اما ماهیت آن ، همچنان ثابت مانده است : تولید کالایی مبتنی بر روابط سرمایه داری که در آن مهمترین ابزار و وسایل تولید و مبادله به اقلیتی محدود تعلق دارد ، در حالیکه اکثریت عظیم جامعه یعنی کارگران بنا به موقعیت اقتصادی خود ناگزیرند نیروی کار خود را به سرمایه داران بفروشند و با تولید ارزش اضافی به سرمایه و ثروت آنان بیفزایند .

تکامل نظام سرمایه داری به تقسیم طبقات و حضور دو اردوگاه کار و سرمایه روز بروز شفافیت بیشتری می بخشد .

اردوی کار چه کسانی هستند؟ آیا منظور از طبقه کارگر تنها پرولتاریای صنعتی است ؟

آیا فقط کارگران مولد کارگرند ؟ آیا کلیه حقوق بگیران کارگرند ؟ آیا زحمتکشان هم کارگرند ؟ آیا دهقانان خرده پا و دهقانان کم زمین هم کارگرند ؟ آیا همه فقرا در صف کارگران ایستاده اند ؟

طبقه کارگر از دید سوسیالیسم علمی آن بخش از افراد جامعه است که صاحب ابزار تولید نیستند و در پروسه تولید اجتماعی مورد استثمار واقع

می شوند . اینکه چه میزان تولید دارند - مثل کارگران شهرداری ها - و یا چه چیز تولید می کنند - مثل کارگران بخش خدمات که به تولید بهداشت و آموزش عمومی و مشغولند - و یا اینکه چه مقداری حقوق می گیرند - مثل کارگران خانگی که بعضی اصلا حقوقی دریافت نمی کنند - در اصل قضیه فرقی بوجود نمی آورد . آنچه که موقعیت طبقه کارگر را نسبت به سایر طبقات زحمتکش متمایز می کند نقشی است که این طبقه در بوجود آوردن ارزش اضافه و انباشت سرمایه اجتماعی عهده دار است .

امروز با هر چه مدرنتر شدن جامعه و جهانی شدن سرمایه ، جدال بین دو طبقه اصلی اجتماعی مهر و نشان خود را بر کلیه تحولات اقتصادی ، اجتماعی ، فکری و سیاسی و علمی زندگی بشر بر جای می گذارد . در یکسو جنبش کارگریست که با وجود تنوع احزاب و تشکلهای و برنامه هایش به سمت دگرگونی به پیش می رود در سوی دیگر سرمایه داری با تمام شاخ و برگها و تعلقات فکری ، فلسفی ، فرهنگی، سیاسی و اجتماعیش که به دفاع از وضع موجود می پردازد. سوسیالیسم و کمونیسم محصول اجتناب ناپذیر مبارزه این طبقات است . بر پایه دیالکتیک این حرکت است که دوران ما دوران تشدید مبارزه طبقاتی برای رهایی کار از سرمایه ، دوران تحولات عظیم تکنولوژیک ، دوران پیشرفتهای بزرگ و سرنوشت ساز علمی و تکنیکی ، دوران رشد آگاهی بشر و فراهم آمدن ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم محسوب می گردد.

جامعه کمونیستی جامعه ایست که در آن مالکیت بر وسایل تولید و مبادله ، به کل جامعه بشری تعلق داشته باشد ، جامعه ای که در آن از کار مزدی اثری نباشد و نه کار و نه ارزش کار به عنوان کالا قابل فروش و معاوضه

نباشد ، جامعه ای که در آن طبقه و حکومت و دستگاههای عریض و طویل بوروکراتیک محو شده باشند ، جامعه ای که در آن افراد از آزادی کامل برخوردار باشند و کلیه قیود حقوقی ، سنتی،اجتماعی، اقتصادی، جنسی ، نژادی ، فرهنگی، مذهبی و که در بهره گیری انسانها از زندگیشان محدودیت ایجاد می کند ، برچیده شده باشند ، جامعه ای که در آن هرگونه جدایی انسان از ارزش تولید شده توسط کار وی یا جدایی تولید کنندگان از برنامه ریزی و اداره امور اجتماعی از میان رفته باشد . اصل از هر کس بنا بر استعدادش و به هر کس به اندازه نیازش تحقق یافته باشد . جامعه ای که آزادی و شکوفایی فرد ضامن آزادی و شکوفایی جمع است .

تنها در چنین جامعه ای است که علم و تکنولوژی بطور کامل در خدمت رفع نیازهای بشری در خواهد آمد ، تنها در چنین جامعه ای است که توانایی های بالقوه و خلاقیت ها و ابتکارات می توانند آزادانه و بدور از قیود مادی و اجتماعی شکوفا شوند ، تنها در چنین جامعه ای است که دستاوردهای علمی و فرهنگی بطور کامل و آزاد در اختیار قرار می گیرد .

سوسیالیسم علمی با تمام دستگاهها ی فکری ارتجاعی که به بهانه مبارزه با مناسبات سرمایه داری تلاش می کنند مجدداً حلقه اخلاقیات ، معنویات و قیود فرهنگی و مذهبی دوران عهد عتیق را به پای بشریت زنجیر کنند ، فاصله دارد . به این اعتبار که سوسیالیسم علمی از رشد جامعه ، پیشرفت مناسبات اجتماعی و تقسیم کار عمومی – که به شکل گیری درکها و تلقیات مختلفی از مفهوم زندگی منجر شده است – چنین نتیجه می گیرد که انسانهای مختلف بر اساس شرایط عینی و ذهنی مختلفی که در آن بسر می برند ، برای زندگی خود اهداف مختلفی را متصور می شوند . جامعه باید

گنجایش و ظرفیت پذیرفتن همه این گونه گونیها را داشته باشد و متضمن آزادی بی قید و شرط همه افراد برای انتخاب شیوه زندگی باشد .

انقلاب اجتماعی طبقه کارگر و برقراری

سوسیالیسم راه رسیدن به چنین جامعه ای است

سوسیالیسم علمی با تمامی دستگاه های فکری تخیلی که از ذهنیات حرکت کرده و گمان دارند با موعظه برای بورژوازی می توان آنرا وادار به واگذاری قدرت نمود، و یا گمان می برند می توان سوسیالیسم را به طبقه سرمایه دار تحمیل کرد ، و یا اینکه تلاش دارند با توسل به "رای " قدرت سیاسی را به چنگ آورند ، تمایز دارد .

سوسیالیسم نه با روند های خودبخودی و روشهای اراده گرایانه و مواعظ پیامبر گونه استقرار میابد و نه با مبارزات صنفی و رفرف های اندک که محدود به حل مشکلات صنفی طبقه کارگر است بوجود میباید .

وقتی که زمینه های مساعد برای برقراری سوسیالیسم فراهم گردد، طبقه کارگر با انقلاب اجتماعی خود و با برداشتن سیادت سیاسی استثمارگران سیادت سیاسی خود را برقرار میسازد.

سرنگونی کامل استثمارگران هنگامی ممکن است که طبقه کارگر بدل به طبقه حاکمه گردد که قادر است مقاومت ناگزیر و تا پای جان استثمارگران را درهم شکند و توده های زحمتکش مردم را برای شکل نوین اقتصاد و سیاست متشکل سازد .

رهایی طبقه کارگر تنها بدست خود وی میسر است . چرا که تمام اقشار و طبقات دیگر جامعه علیرغم اختلافاتی که با هم دارند ، اما در حفظ شالوده های نظم سرمایه داری دارای منافع مشترکند .

شرط لازم برای تحقق انقلاب اجتماعی طبقه کارگر ، ساختمان سوسیالیسم و گذار به جامعه کمونیستی ، دیکتاتوری انقلابی طبقه کارگر است که قادر است مقاومت استثمارگران را در هم شکند. اگر در دمکرات ترین جوامع سرمایه داری (همچنانکه در آستانه قرن بیست و یکم نیز با وضوح بیشتری شاهد هستیم) دولت بمثابه ماشین ویژه ای برای سرکوب ، آنهم سرکوب اکثریت ، بدست اقلیت ناچیز جامعه عمل میکند و برای حفظ حریم مقدس مالکیت در طول تاریخ نهایت سببیت و بیدادگری را بخرج داده و دریایی از خون بردگان ، دهقانان و کارگران مزدی براه انداخته ، طبقه کارگر و اکثریت مردم استثمار شده و ستم دیده نیز در دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم و برای حفظ و حراست از مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید و مبادله ، مقاومت اقلیت استثمارگر و تلاش آنها برای احیای بهشت از دست رفته شان را در هم می شکنند .

بدین مفهوم که در این دوران بمثابه دوران گذار ، آنچنان دمکراسی و آزادی برقرار میگردد که تاریخ نظیرش را ندیده است . این اکثریت مردم یعنی تولید کنندگان متشکل و متحد در شوراها و ارگانهای خودگردان هستند که با رأی و نظر خود مقاومت بورژوازی را در هم می شکنند ، مالکیت بورژوازی بر ابزار تولید و مبادله را از میان بر میدارند و مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید و مبادله را برقرار میسازند ، استثمار انسان بوسیله انسان را بر میاندازند و با هر گونه آثار و عواقب جامعه کهن نظیر تبعیض جنسی ، نژادی ، ملی و فرهنگی مبارزه می کنند و جامعه را بسوی آزادی و شکوفایی انسانها پیش میبرند . بطوریکه دیگر نیازی به مقاومت

و نیازی به سرکوب و نیازی به وجود دولت و بوروکراسی وجود نداشته
باشد.

سوسیالیسم و دموکراسی

نظام سوسیالیستی تجلی سازماندهی نوین جامعه ای است که مبانی آن پاسداری از حقوق انسانی و ایجاد شرایط رشد تمامی آحاد و اعضای جامعه بشری می باشد.

جامعه ای که هدف آن آزادی واقعی بشریت از تمامی قیود و مصائبی است که نظامهای طبقاتی تاکنونی به پای بشریت زنجیر کرده اند . این نظام اشتراکی تنها به تغییر در مناسبات اقتصادی و سیستم اداره جامعه خلاصه نمی شود ، بلکه بطور همزمان وسیع ترین و پیگیر ترین آزادیهای سیاسی و دستیابی به ارزشهای فرهنگی مناسب با این ساختار اقتصادی - اجتماعی را بوجود میآورد .

سوسیالیسم پایان راه و فرامسیون اجتماعی اقتصادی ثابتی نیست ، بلکه دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم است . در این دوره سنت ها ، آثار و عواقب جامعه کهن باقیست و بورژوازی سرنگون شده برای احیای مجدد قدرت با تمام قوا علیه حاکمیت استثمار شوندهگان و ستمدیدگان تلاش خواهد کرد . به همانگونه که تجربه شکست بزرگترین انقلاب کارگری در شوروی نشان داد ، مبارزه طبقاتی در دوران ساختمان سوسیالیسم ابعاد جدیدی به خود خواهد گرفت و به سوال کلیدی کی بر کی پاسخ داده خواهد شد . اما در این دوره و در جریان پیشرفت ساختمان سوسیالیسم انگونه که تجربه شوروی نشان داد، نه تصور از بین رفتن طبقات و ایجاد دولت عموم خلقی ، گذار به جامعه کمونیستی را ممکن خواهد کرد و نه ایجاد دیکتاتوری و

سرکوب بوروکراسی حزبی - دولتی و غیر سیاسی کردن مردم قادر است واقعیات مبارزه طبقاتی و مشکلات ساختمان سوسیالیسم را حل کند . سوسیالیسم از آزادی و دموکراسی جدایی ناپذیر است . بیان آزاد اندیشه و عقیده و آزادی سیاسی و دخالت و تصمیم گیری مستقیم مردم در برنامه ریزی ، تولید ، مبادله و در امر سیاست ، فرهنگ و غیره تنها ضامن پیشرفت سوسیالیسم و ساختمان پیروزمندانه آن است . انقلاب مداوم و حضور و نقش مستقیم مردم در صحنه تولید ، برنامه ریزی و اداره امور در ساختمان آگاهانه سوسیالیسم ، تنها وسیله ای است که پیروزی طبقه کارگر و دیگر توده های مردم را بر اقلیت استثمار گر تضمین خواهد کرد بطوریکه هیچ قدرتی را یارای در هم شکستن آن نخواهد بود .

دولت در سوسیالیسم

وجود حکومت حکایت از وجود طبقات در جامعه و سیادت یک طبقه بر طبقه کارگر دارد . شکل اداره حکومت می تواند دموکراتیک یا دیکتاتوری ، سلطنتی یا جمهوری ، پارلمانی یا شورایی ، متمرکز یا فدراتیو ، مذهبی یا لائیک و یا اشکال دیگری باشد . اما همه این اشکال در یک وجه با هم مشترکند : در همه آنها دولت نماینده طبقه حاکمه است . اگر طبقات استثمار گر سیادت سیاسی ، یعنی دولت را برای حفظ شرایط استثمار ، یعنی برای منافع آزمندانه اقلیتی ناچیز علیه اکثریت هنگفت مردم لازم دارند طبقات استثمار شونده ، سیادت سیاسی را برای محو کامل هرگونه استثمار

، یعنی برای منافع اکثریت هنگفت مردم علیه اقلیت ناچیزی از برده داران معاصر که سرمایه داران باشند ، لازم دارند و آنچه که ماهیت دولت سوسیالیستی را تشکیل می دهد این است که در آن طبقه کارگر بر سایر طبقات هژمونی یافته ، جامعه در جهت حذف طبقات و از بین بردن پایه های مادی نیاز به حکومت و دولت و بوروکراسی حرکت می کند . بر خلاف جامعه سرمایه داری که در آن دموکراسی همواره در تنگنای استثمار سرمایه داری فشرده می شود . سوسیالیسم برای تأمین آزادی بی قیدوشرط همه افراد جامعه مبارزه می کند . هدفی که جز با الغای طبقات و زوال دولت ممکن نمی شود و ازاینرو برای تأمین و تضمین آزادیهای بی قید و شرط سیاسی باید برای تحقق آن مبارزه کرد و سیادت طبقات را برانداخت . طبقه کارگر در جریان تکامل مبارزه طبقاتی بجای جامعه کهنه بورژوازی آنچنان اجتماعی بپا خواهد کرد که وجود طبقات و تقابل طبقات غیر ممکن خواهد بود . دیگر هیچگونه حاکمیت سیاسی وجود نخواهد داشت . چرا که قدرت حاکمه سیاسی مظهر تقابل طبقات درون جامعه سرمایه داریست . با محو طبقات دولت نیز زوال مییابد و انسان و فعالیت های گونه گون وی به تمام معنا از هر قید و شرطی آزاد میگردد .

کار در سوسیالیسم

سوسیالیسم دورانی است که در آن کلیه نیروهای مولد اجتماعی می شوند . کار نیز به عنوان اصلی ترین نیروی مولد و منبع ایجاد ارزش اضافه از این قاعده مستثنی نیست .

اگر تقسیم کار در نظام سرمایه می انجامد ، کار اشتراکی به باروری انسانها و شرکت داوطلبانه آنها در تولید اشتراکی یاری میرساند . سوسیالیسم با محور مناسبات کار مزدی و برپایی سازمان نوین کار اشتراکی ، بساط تقسیم کار مبتنی بر تولید سرمایه دارانه را بر می چیند و کار نه وسیله ای برای زیستن ، بلکه به نیاز حیاتی و اولیه مبدل می شود .

اگر سرمایه داری به هدف کسب سود بیشتر و پایین آوردن هزینه های تولید موجبات بیکاری قابل توجهی از آحاد جامعه را فراهم می آورد ، بخش عظیمی از ارزشهای تولید شده را در صنایعی مانند صنایع نظامی ، گسترش فحشا و تولید مواد مخدر بکار می گیرد ، در سوسیالیسم هیچ فردی به ابزار باز تولید نظم اجتماعی و تولیدی حاکم بدل نخواهد شد ، هیچ انسانی به سطح ماشین یا وسیله تولید تنزل نخواهد یافت و استعداد ها و تواناییهای افراد تحت هیچ شرایطی جهت پاسخگویی به الزامات تولید مسخو نابود نخواهد گردید . مشارکت مستقیم کل شهروندان در پروسه کار و حضور بلا واسطه آنان در برنامه ریزی تولید و کل فعالیت های اجتماعی از طریق شوراهای پشوتوانه موثر تحقق و تأمین این هدف خواهد بود . در سوسیالیسم و ساختار شورایی اداره جامعه دیگر شاهد تکه تکه شدن

انسانها و به بند کشیده شدن آنان در سلول مشاغل نخواهیم بود . عناوینی از قبیل ارتش ذخیره کار یا جمعیت بیکار وجود نخواهد داشت . بازار و تجارت و داد و ستد از قلمرو زندگی مردم محو می گردد . به تولیداتی که در رابطه با نیاز های معیشتی و رفاهی شهروندان نیستند ، بطور کامل پایان داده می شود . زمینه های مادی اعتیاد و روی آوری به مشاغلی از نوع قاچاق و دلالی و نظایر اینها ریشه کن می گردد .

مسأله مالکیت

هدف سوسیالیسم ایجاد مالکیت های اجتماعی بر وسایل تولید و توزیع در جامعه است. لازمه دستیابی به این هدف محو همه اشکال مالکیت خصوصی بورژوائی بر وسایل تولید و مبادله و جایگزینی آنها با مالکیت اجتماعی است .

این امر یکشبه صورت نخواهد گرفت و شوراها و نهادهای اقتدار مردمی بسته به توان سیاسی و اقتصادی خود طی پروسه معینی همگی این مالکیت ها را در اختیار میگیرند. سوسیالیسم علمی با همه مکاتبی که به نامهای مختلف به مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و توزیع صحنه گذارده ، برای دولت نقش " راهبردی " ، " هدایتگر اقتصاد " ، " هماهنگ کننده بخشهای اقتصادی " ، " سازمانده تولید " و را در نظر می گیرند و بر " اقتصاد مختلط" نام سوسیالیسم نهاده اند فاصله دارد .

تجربه سوسیالیسم در قرن بیستم نشان می دهد که اقتصاد برنامه ریزی شده متمرکز به تنهایی از پویایی لازم برای نوآوری در عرصه تولید برخوردار نیست و در دراز مدت به رکود اقتصادی منجر خواهد شد .

مدل "سوسیالیسم چینی" نیز به واسطه بازگذاشتن دست بازار برای کنترل مکانیسم توزیع عملا امکان الغای مناسبات پولی و تولید برای مبادله که مبنای اقتصاد سرمایه داری را تشکیل می دهد را برای خود ناممکن می کند .

این تجربیات نشان می دهند که با وجود امکان و احتمال رفرم و عقب نشینی و پیشروی در دوران گذار و ساختمان سوسیالیسم ، مالکیت اجتماعی تحت اقتدار و کنترل تولیدکنندگان متشکل و متحد در شوراها و تشکل های مستقل ، آن دینامیسمی را که برای رقابت سوسیالیستی و تحرک و پویایی جامعه لازم است را ایجاد مینماید و ضرورت هر گونه رفرمی را در انطباق با منافع اکثریت مردم و زیر کنترل و هدایت و رهبری آنها ، در خدمت میگیرد .

کمونیستها بمنظور قادر ساختن طبقه کارگر برای انجام رسالت تاریخی خویش ، آنرا در حزبی مستقل و متمایز از احزاب بورژوائی متشکل می کنند ، تضاد آشتی ناپذیر میان استثمارگران و استثمارشوندگان را آشکار میسازند و اهمیت تاریخی و شرایط لازم برای انقلاب اجتماعی را توضیح می دهند . در عین حال چاره ناپذیری موقعیت دیگر توده های زحمتکش و استثمار شده در جامعه سرمایه داری را و نیز ضرورت انقلاب اجتماعی برای رهائی از یوغ سرمایه را برای آنان آشکار میسازند .

فصل دوم

مشخصات عمومی حزب کمونیست

در فاصله یک و نیم قرن از پیدایش اولین حزب کمونیستی و نگارش مانیفست ، درکها و برداشتهای متفاوتی از حزب بوجود آمده است . ما بر اساس جمعبندی تجربیات ایندوره (با توجه به شرایط مشخص موقعیت تاریخی تشکیل این احزاب) مشخصات عمومی زیر را برای حزب کمونیستی که باید به نیازهای تحول یابنده هزاره سوم جهت تحقق انقلاب اجتماعی پرولتاریا پاسخ دهد ، لازم می شماریم :

۱- حزب کمونیست تجمع بخش پیشروی طبقه کارگر است که در جنبش انقلابی خود طبقه شکل می گیرد . بعبارت دیگر حزب نتیجه مبارزه طبقاتی و رشد آگاهی طبقه کارگر و تلفیق سوسیالیسم علمی با جنبش کارگریست .

۲- حزب کمونیست بیانگر آگاهی و اهداف طبقه کارگر ، ارگان پیشتاز و خط مقدم دفاع از منافع اقتصادی و سیاسی درازمدت طبقه کارگر است .

۳- حزب سازمانده ، آموزش دهنده و آگاه کننده طبقه کارگر در تمامی سطوح است.

۴- حزب نیروی مبارزه علیه پیشداوریهای بورژوازی در جنبش کارگری است . پیشداوریهایی که از ارتقای آگاهی و رشد اشکال مبارزاتی کارگران

جلوگیری کرده، آنرا در برابر بورژوازی، تنوریسرها و رهبران فکری و سیاسی آن خلع سلاح می‌کنند.

۵- حزب پیشروترین ارگان طبقه کارگر است. معهذاً طبقه کارگر در مراحل مختلف مبارزه به رشد آگاهی و ارتقای کیفیت خود می‌پردازد و بنابراین دارای احزاب و تشکلهای و سازمانهای متفاوتی است. اما همانگونه که در این مبارزه منافع طبقاتی، کارگران را به اتحاد و یکی شدن سوق می‌دهد، بدون تردید در زمینه آگاهی نیز طبقه کارگر در روند مبارزه خود به سمت عمومیت یافتن آگاهی بر اساس منافع طبقاتی پیش می‌رود. وظیفه حزب است که با تمام تلاش به این پروسه کمک کند.

۶- حزب خطاناپذیر نیست، بلکه مستعد لغزش است. پس تنها ادغام با طبقه کارگر و ایجاد رابطه ارگانیک و غیر قابل تجزیه با آن، به ارتقای آگاهی و جبران و اصلاح خطاها و رشد حزب یاری می‌رساند، متقابلاً از آگاهی عمومی طبقه بهره مند میشود و در عین حال به پروسه آگاهی عمومی طبقه کارگر کمک می‌کند.

۷- حزب وظیفه دارد در راه تشکل یابی توده ای کارگران، نظیر اتحادیه ها، شوراها و سایر مجامع کارگری مبارزه کند و به توده های طبقه کارگر در ایجاد این تشکلها یاری رساند. حزب تنها از طریق اعضای فعال خود در محیط کار و زیست است که به این تشکلهای و سازمانها تأثیر می‌گذارد و در عمل آنها را به درستی سیاست و تاکتیکهای خود متقاعد می‌سازد.

۸- حزب نباید راه حلهای خود برای مسایلی که مبارزه طبقاتی پیشاروی جنبش می‌گذارد، را مطلقاً بدون خطا و لغزش ببندارد. حزب برای فائق آمدن بر اشتباهات و تصحیح بموقع خطاها باید در پراتیک روزمره، با

معیار قرار دادن انتقاد و انتقاد از خود به بازنگری تئوریها و تدقیق آنها از طریق درک واقعیات جامعه و سطح مبارزات طبقاتی اقدام کند ، تا فعالیتهای مبارزاتی خود را همیشه با شرایط جدید و هر دم تغییر یابنده منطبق سازد .

۹- حزب مارکسیسم ، لنینیسم و تمامی تجربیات تئوریک و عملی جنبش کمونیستی را نه آیه های آسمانی بلکه بمثابه علم می نگرد . در مطالعه ، تحقیق و کاربست تجربیات جنبش کمونیستی تحلیل مشخص از شرایط مشخص کارپایه حزب کمونیست است.

۱۰- حزب تمام اعضایش را باید در برابر نظرات و مبارزه برای به کرسی نشاندن آنها آزاد بگذارد و از هر گونه راه حل تهدید کننده حقوق اعضا و اعمال اهرمهای فشار بپرهیزد.

۱۱- ناهمسانی درون طبقه کارگر بدون تردید در حزب نیز انعکاس می یابد ، گرایشات انقلابی کمونیستی در چارچوب برنامه های حزب درباره مسائل استراتژی و تاکتیکی و ... می توانند اختلافاتی داشته باشند ، این اختلافات تنها در مسیر مباحثه ، گفتگوی آزاد و بدون قید و بند است که می تواند به آگاهی حزب و رابطه هر چه ارگانیک تر آن با طبقه کارگر و کاهش خطاهای آن یاری رساند و آنرا از تبدیل به فرقه ای بسته و بدون تأثیر مصون دارد . بنابراین نظم و انضباط حزبی هم تنها در چارچوب آزادی اعضا در مباحث و ارائه نظرات ، انتقادات و مشارکت در ساختمان نظری و عملی حزب است که قابل دوام خواهد بود .

۱۲- حزب ، پیشاهنگ طبقه کارگر است . گردان پیشروی آنست ، اما خود را بجای طبقه نمی گذارد ، حزب مدافع حکومت کارگری از طریق ازگانه‌های توده ای منتخب و قابل عزل است .

۱۳- حزب تمام نیرو و اهرمهای خود را بکار می گیرد تا قدرت کارگری خود طبقه کارگر در دل آزادیهای بی حد و حصر سیاسی و آگاهی اجتماعی، علمی ، فرهنگی و سیاسی را بدست گیرد ، ساختمان سوسیالیسم را آغاز و جهت رسیدن به جامعه کمونیستی تلاش ورزد .

۱۴- حزب کمونیست یک حزب انترناسیونالیست است . سرمایه داری در آستانه هزاره سوم با سرعت به سمت جهانی شدن پیش می رود طبیعتاً طبقه کارگر را هم در ابعاد خودش بهم نزدیک تر می کند . بنابراین احزاب پرولتری از همان آغاز خصلت جهانی داشته و به سمت جهانی شدن پیش می روند .

دنیای سرمایه داری در ابعادی شتابناک مرزها را در هم می ریزد ، از منطقه ای شدن با سرعت به سمت جهانی شدن پیش می رود . انقلاب عظیم انفورماتیک ، رشد تجارت صدور سرمایه ، وسایل ارتباط جمعی مدرن باعث بهم پیوستگی بخشهای مختلف آن شده است . نوسان در بورس در آسیای جنوب شرقی بازار سرمایه در اروپای غربی را به لرزه در می آورد . این هم سطح و جهانی شدن سرمایه باعث شده است تا مطالبات ، مبارزات و تجربیات جنبش کارگری نیز به سطح بالایی از همزمانی ، اتحاد و همگانی شدن دست یابد .

رشد و گسترش این مبارزه ، در مقابل سرمایه که در ابعاد جهانی انجام می پذیرد ، توانایی مقابله همزمان و متحد را بیش از هر زمان دیگری بوجود

آورده است و روز بروز کارگران را به مبارزه ای متحد سوق می دهد در نتیجه :

۱۵- اتحاد و هم پیوستگی احزاب کمونیست در هزاره سوم بر اساس متکامل ترین درخواستها و برنامه ها و در سطح بالایی شکل خواهد گرفت ، نه حول این قطب و یا آن قطب از احزاب کمونیست و یا کشوری سوسیالیستی . فدانیان کمونیست در راستای رسیدن به اهداف فوق تلاش می کنند و بعنوان یک حزب کارگر کمونیست ، انترناسیونالیست و بمثابة حزب سیاسی طبقه کارگر ، و گردانی از ارتش جهانی پرولتاریا ، دوش به دوش سایر احزاب کمونیستی در صحنه ایران و جهان به پیکار آشتی ناپذیر خود علیه سرمایه داری ، نظم غیر عادلانه حاکم و برای تحقق نظم اجتماعی نوین که در آن برابری و دوستی همه انسانها صرفنظر از جنس ، نژاد ، ملیت و مرز و خاستگاه اجتماعی ، جامه عمل بپوشد ، مبارزه می کند.

سازمان اتحاد فدانیان کمونیست خود را وفادار به سنتهای مارکسیسم ، متکی به تجارب جنبش کمونیستی و بلشویسم و مسلح به تنوری سوسیالیسم علمی می داند و خود را ادامه دهنده ماتیفست کمونیست و حرکت تاریخی کمونیستهای ایران و جهان به شمار می آورد .

حزب یک نیروی انتقادی

وظیفه کمونیستها تنها فورموله کردن تئوری انقلاب ایران نیست ، بلکه تنویریه کردن ساختمان آن حزب انقلابی است که وظیفه دارد پیوند تئوری و پراتیک را عملی و رهبری این انقلاب را عهده دار گردد . بنابراین اهمیت این تئوری در آن خواهد بود که نقطه آغازش بر جمع‌بندی انتقادی پراتیک گذشته بمنظور فائق آمدن بر موانع راه آینده این پیروزی استوار باشد .

ما کمونیستهای فدائی چه در درون سازمان و چه در بیرون از آن ، همیشه این بحث عمومی را دنبال کرده ایم که چگونه می توان ساختمان حزب ، برنامه، اساسنامه، سبک کار، استراتژی و را با یک ارزیابی انتقادی از گذشته تاریخی ، از بحرانها و از شکستها و پیروزیهای جنبش کارگری و مبارزات طبقاتی نوسازی کنیم . بنابراین بازنگری به گذشته را بمثابة چراغ راه آینده برای واقعی بودن و نتیجه بخش بودن هر برنامه و اقدامی ضروری می‌شماریم .

فصل سوم

ضرورت بازنگری گذشته

تجربیات غنی جنبش کارگری و کمونیستی طی قرن بیستم ، شکست و پیروزیهای عظیم آن در یک و نیم قرن گذشته و نیز تحولات بزرگی که سرمایه داری چه در سراسر جهان و چه در ایران از سر گذرانده است ، نگاهی به سیمای عمومی سرمایه داری و سوسیالیسم در یکصد سال گذشته را چه در سطح جهان و چه در چارچوب ایران ، از برنامه حزب کمونیست برای هزاره سوم تفکیک ناپذیر میسازد .

سیمای عمومی سرمایه داری در قرن بیستم

سرمایه داری طی یک و نیم قرن گذشته چهار دوره اساسی را پشت سر گذاشته که در عین حال چهار مقطع مهم برای جنبش کارگری نیز محسوب می شوند ، چهار دوره ای که از طریق حلقه های عدیده انتقالی بهم متصلند .

۱- دوره اول از انقلاب کبیر فرانسه تا ۱۸۵۰ را در بر می گیرد که بورژوازی یک دوره از انقلابات و جنگهای رهائی بخش علیه فئودالیسم را

پشت سر گذراند . وجه مشخصه این دوره ورشکستگی فنودالیسم و حکومت‌های مطلقه در کشورهای باختری و بوجود آمدن دولتهای دموکراتیک می باشد که با نهضت‌های توده ای توأم بوده و توده مردم از طریق مطبوعات و مجالس نمایندگی به سیاست جلب می شوند . بیداری ملی ، مبارزه در راه آزادیهای سیاسی عموماً و مبارزه در راه استقرار حقوق ملی خصوصاً از ویژگیهای این دوره است .

۲- دوره دوم دوران رشد آزاد سرمایه داریست . دولتها استقرار یافته ، رژیمهای مشروطه برقرار شده اند و تکامل آزاد سرمایه داری در ابعاد اروپا و آمریکا آغاز شده و با جنگ فرانسه و پروس (۱۸۷۰) یک دوره نسبتاً طولانی توسعه سرمایه داری بهمراه یک دوره استعمار آغاز می گردد و حداکثر سود از بازارها بیرون کشیده می شود . دوران رشد طلایی نیروهای مولده و کسب ارزش اضافه برای سرمایه داری مقتدر فراهم می گردد . صنعت مشخصه دوره دوم فقدان جنبشهای توده ای بورژوا دموکراتیک است .

سرمایه داری تکامل یافته با نزدیک شدن و اختلاط بیش از پیش ملل که به جریان مبادله کشیده شده اند ، تضاد آشتی ناپذیر سرمایه داری را که در مقیاس بین المللی بهم آمیخته و جنبش بین المللی کارگری را در درجه اول اهمیت قرار می دهد. بعد از ورشکستگی ۱۸۷۳ و بعد از دوره کوتاه مدت رونق ، کارتلها آغاز به ایفای نقش می نمایند .

۳- پروسه فوق العاده سریع تمرکز تولید در بنگاههای بزرگ دائماً در حال توسعه آغاز می شود ، با بحران اوایل قرن بیستم انحصارها به سراسر اقتصاد چنگ می اندازند . این دیگر رقابت آزادانه سرمایه داران

آزاد و تولید کنندگان و کارفرمایان و فروشندگان پراکنده نیست که برای فروش در بازار نامعلوم ، کالا تولید می کنند ، بلکه این کارتلها هستند که شرایط تولید و فروش و غیره را تعیین می کنند . سرمایه داری از مرحله رقابت آزاد گذر کرده بسمت اجتماعی شدن پیش می رود . در حالیکه تولید جنبه کاملاً اجتماعی بخود می گیرد ، اما وسایل اجتماعی تولید و تملک کماکان در دست مالکان خصوصیت .

۴- دروان سوم با تمرکز تولید و تشکیل انحصارات ، درآمیختن آن با بانکها و صدور سرمایه مشخص می شود ، مناسبات تولیدی مبتنی بر تولید کالائی و رقابت آزاد با بحرانهای ادواری خود جایش را به انحصارات و حکمرانی سرمایه مالی می دهد .

سرمایه بانکی و صنعتی ادغام می گردد و الیگارشلی مالی پدید میاید. تمرکز سرمایه در تعدادی از کشورهای ثروتمند و پیشرفته از یکسو و تشکیل اتحادیه های بزرگ سرمایه داری که جهان را بین خود تقسیم می کنند منجر به شکلگیری کشورهای امپریالیستی می گردد.

۵- اگر در مرحله دوم دموکراسی بورژوازی از ویژگی روبنای سرمایه داری مبتنی بر آزادی رقابت بود طبیعتاً سلطه انحصارات ، در سیاست و روبنا نیز به انحصار طلبی و اعمال قهر سوق می یافت .

۶- بحرانهای ادواری و بروز جنگهای امپریالیستی ناشی از رقابت انحصارات وجه مشخصه دیگر این دوره از تکامل نظام سرمایه داریست که با جنگ جهانی اول وارد دوران انحطاط می شود . بدنبال خود تغییراتی در سیستم ، اشکال بروز بحران و ساختارهای روبنایی آن ایجاد می کند .

۷- در این دوره رونق کوتاه مدت بعد از جنگ جهانی بحران عظیم ۱۹۲۹ را به همراه می آورد .

اقتصاددانان بورژوا نظریه افزایش سرمایه گذاری های خصوصی - دولتی را راه حل عدم تکرار بحرانهای سرمایه داری اعلام کردند ، بدین ترتیب روند ادغام ساختارهای دولتی - خصوصی ، بعنوان راه خروج از این وضعیت به کار گرفته شد که خود به شکلگیری دولتهای فاشیستی و تمرکز گرا منجر گردید .

۸- نه افزایش سرمایه گذاری دولتی خصوصی و نه تنظیم نرخ بهره (طرح کینز) راه حل بحرانی که ذاتی نظام سرمایه داریست نشد. این طرح به افزایش بیکاری و تورم دامن زد ، اقتدار انحصارات را افزایش داد، و دولتهای سرمایه داری در خدمت سرمایه مالی دست بکار ایجاد زرادخانه های تسلیحاتی برای جنگهای آتی شدند.

سرانجام تداوم بحرانو تشدید تضاد انحصارات ، دومین جنگ جهانی را ببار آورد .

۹- شکل گیری ساختارهای دولتی به همراه نتایج اقتصادی جنگ سرد برای دنیای سرمایه داری ، با روند جهانی شدن سرمایه و اجتماعی شدن تولید به تداوم و تشدید بحران سرمایه داری بعد از یک دوره رونق ناشی از تحولات تکنولوژیک دامن زد . تداوم بحران دهه ۷۰ ، اوجگیری جدال امپریالیستها و انحصارات بر سر دستیابی به بازارهای جدید بصورت جنگهای منطقه ای ، ملی ، غیره جریان یافت .

۱۰- تداوم بحران و از هم پاشی آخرین پس مانده های دوران استعمار و ... اقتصاددانان و انشمندان بورژوازی را به این نتیجه رساند که

مکانیسم بازار خود قادر است تعادلات لازم را در کارکرد سرمایه داری بوجود آورد ، سرمایه داری بی کنترلی که میبایست خود بر اساس قانون عرضه و تقاضا ، نرخ استثمار و شیوه کسب ارزش اضافی را معین میکرد. دولت از طریق معافیت مالیاتی و انداختن مخارج ساختمان زیر بنای اقتصادی و امور اجتماعی به گرده کارگران ، شرایط مناسب برای گردش سرمایه را فراهم می کرد . این سیاست در برخی از کشورها نظیر انگلیس و آلمان بکار گرفته شد ، با وجود دوران کوتاهی از رونق ، اما این کشورها با بحرانهای اقتصادی عظیمی مواجه شدند ، بیکاری و فاصله طبقاتی افزایش یافت و فقر ابعاد گسترده تری بخود گرفت . بسیاری از شرکتهای کوچک موفق به گسترش موسسات خود نشدند ، بلکه در زیر قدرت فائقه انحصارات چند ملیتی له شدند .

۱۱- جنگ سرد ، بعد از جنگ جهانی دوم که بودجه عظیمی را به گسترش زرادخانه های تسلیحاتی کشورهای سرمایه داری معظم سرازیر می کرد . همزمان با فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی و بوجود آمدن بازار وسیع جدیدی در برابر سرمایه داری و آغاز تحولات مهم در کشورهای سراسر جهان که نشان از گسترش سرمایه و در هم شکسته شدن روندهای گذشته خبر می داد ، دانشمندان سرمایه داری را واداشت تا برای بر طرف نمودن بحران و در پاسخگویی به وضعیت جدید ، تئوری دیگری را مبنی بر دموکراتیزاسیون و تمرکز زدائی در اقتصاد سرمایه داری را مطرح کنند . اساس این تئوری بر این زمینه استوار است که سرمایه داری در اواخر قرن بیستم می تواند از طریق واگذاری سهام شرکتهای بزرگ خصوصی و دولتی به کارگران و کارمندان ، چهره ای

مردمی بخود بگیرد. آنها معتقدند سرمایه داری روند دمکراتیک شدن را می پیماید و سهامداران کارخانجات و شرکتهای بزرگ (یعنی کارگران و کارمندان به همراه سرمایه داران) صاحبان اصلی موسسات سرمایه داری می شوند . و از طریق روند از بین رفتن مالکیت خصوصی و گذار به جامعه بی طبقه آغاز می شود .

اما اجرای این طرح نیز در کشورهای نظیر فرانسه ، آلمان و انگلیس نتایج عکس خود را بیار آورد درآمدهای ناشی از فروش سهام موسسات بزرگ دولتی و شرکتهای بزرگ تنها دست و بال بانکها و تراستهای چند ملیتی را در استفاده از منابع مادی ناشی از تمرکز پس اندازهای کوچک و تشدید استثمار کارگران و کارکنان باز گذاشت . افزایش قیمت ها ، افت خدمات دولتی ، اخراج و بیکارسازیهای وسیع ، (نمونه آن آلمان) نتیجه این سیاست بود .

۱۲- بعد از فروپاشی شوروی و اروپای شرقی مبلغان بورژوازی ادعا می کنند که با شکست سوسیالیسم نظریات مارکسیستها پیرامون روند تکامل جامعه بشری و خصوصیات سرمایه داری از جمله مقولاتی نظیر امپریالیسم و بحرانهای سرمایه داری نادرستی خود را نشان داده است .

بررسی تاریخ تکامل سرمایه داری نشان می دهد که تحول سرمایه داری درست همان سیری را طی کرده و می کند که مارکسیستها از طریق بررسی علمی روند تکامل سرمایه داری تشریح کرده اند .

بویژه پدیده پیدایش انحصارات که بوسیله لنین تئوریزه شد و بوسیله دانشمندان بورژوازی و خود زندگی نیز تأیید شد ، بمثابة یکی از خصوصیات اصلی دوران حاضر ، به قوت خود باقیست . امروز کمتر انسان

نسبتاً آگاهی را می شود یافت که منکر تسلط انحصارها بر حیات بشر بوده باشد . امروزه تمرکز ثروت در دست کمتر از چند درصد شرکت بزرگ انحصاری که هزاران و دهها هزار شرکت و موسسه کوچک و بزرگ در سراسر جهان صاحب هستند ، مبین همین واقعیت است . سرمایه داری هم اکنون با در دست گرفتن اهرمهای اقتصادی و سیاسی ، بازار جهانی را در دست انحصارات بزرگ متمرکز کرده است ، بطوریکه نه تنها در مورد چارچوب و برنامه های اقتصادی مناطق تصمیم می گیرند ، بلکه تحولات سیاسی و فرهنگی را نیز تابع منافع خود می نمایند . حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری ، دیگر دولتها عملاً به کارگزاران سرمایه جهانی تبدیل شده اند و نقش " آرای مردم " و پارلمانتها برای قانونگذاری و دخالت در اموری که موکلین آنها خواستارش هستند بسیار محدود و محدودتر شده و بطوریکه بدون در نظر گرفتن مصالح انحصارات و سرمایه فراملیتی پارلمانهای ملی قادر به تصمیم گیری و نمایندگی رای دهندگان نیستند و خود به عامل تنظیم کننده قوانین و سیاستهای سرمایه جهانی در مناسبات محلی و حافظ امنیت سرمایه در یک چهارچوب معین تبدیل شده اند .

انحصارات سرمایه داری برای خروج از بحرانهای ادواری خود و برای افزایش نرخ سود نه فقط سلطه اقتصادی را با سلطه نظامی در آمیخته و جهان را مملو از سلاحهای کشتار جمعی نموده اند ، بلکه با تحمیل مسابقات تسلیحاتی ، مداخلات نظامی ، بر پایی کودتا های نظامی ، ایجاد جنگهای محلی و منطقه ای ، دامن زدن به ناسیونالیسم ، نژاد پرستی ، تقویت جنبشهای ارتجاعی مذهبی تلاش کرده و می کنند با کسب سودهای

کلان و استثمار طبقه کارگر و غارت منابع جهان به بحرانهای خود پاسخ دهند .

۱۳ - سرمایه که همواره گرایش به افزایش نرخ سود دارد و علل بحرانها و ادبار خود را می آفریند ، در آستانه قرن بیست و یکم که بیکاری ، تورم و فقر در ابعادی جهانی دامن میلیونها انسان را فراگرفته ، راهی جز اضمحلال و جایگزینی خود با یک نظم اقتصادی و اجتماعی نوین نمی یابد . در دهه های اخیر و در کشورهای معظم سرمایه داری بطور آشکارتری شاهد بحرانی هستیم که هنوز راه حلی برای آن یافت نشده است . سرمایه داری برای حل بحران تلاش کرده محدودیت بازارها را که خود یکی از عوامل بحران است ، از طریق افزایش هزینه عامل سرمایه و کاستن از هزینه عامل کار و تعرض به دستمزدها بکاهد ، اما این امر نه تنها بازار را فعال نکرده بلکه از مصرف کاسته شده و به سقوط ظرفیت فروش انجامیده است .

سرمایه از طریق فروش در ازای اعطای اعتبارات به کشورهای در حال توسعه و فروش کارخانجات و کالاهای مصرفی ، بدون آنکه بورژوازی این کشورها مجبور به پرداخت بهای آنها باشند ، تعداد زیادی از کشورهای مصرفی بوجود آورده که قادر به باز پرداخت پول کالاها و کارخانجات خریداری شده و اعتبارات دریافتی نیستند .

در نتیجه انحصارات به دولتهای متنفذ غربی روی می آورند ، هم اکنون بدهی دولتهای معظم سرمایه داری نظیر آمریکا ، فرانسه ، هلند ، سوئد ، بلژیک و آلمان سر به میلیاردها دلار می زند و طبقه کارگر این کشورها

مجبور به کار بیشتر و دریافت مزد کمتر هستند تا بدهی این دولت‌ها را بازپرداخت کنند .

۱۴- از دهه ۸۰ ، موج نئولیبرالیسم با اعلام صرفه جوئی در اعتبارات عمومی ، تعرض به هزینه های دولت و دستمزدها را آغاز کرد . مالیات بر دستمزدها را بالا برد تا مردم قروض دولت را بپردازند ، اما باز هم با کاستن از قدرت خرید ظرفیت مصرف پانین آمد . علاوه بر آن با کاستن از سرمایه گذاریهای دولتی ، نظیر بیمارستانها ، مدارس ، راهها و غیره میلیاردها دلاری که صرف خرید تجهیزات و پرداخت دستمزد می شد ، کاسته شد و نتیجه اینکه نه تنها بخش دولتی بلکه صدها شرکت بزرگ و کوچک حاشیه طرحهای عمرانی امکان اشتغال را از دست داده و با اخراجهای وسیع مواجه شدند .

افزون بر این گردش سرمایه و فراز آن به مناطق دستمزد ارزان و هزینه حمل و نقل کمتر، به بیکاری و بحران اقتصادی دامنه وسیعتری بخشید . با وجود آنکه سرمایه های انحصاری در اقصی نقاط جهان با تشدید استثمار ، پرداخت کمترین دستمزد و در شرایط فقدان امکانات رفاهی و بهداشت محیط کار ، مشغول کسب ارزش اضافی هستند اما هیچ روزنه ای برای خروج از بحران وجود ندارد .

سرمایه داری در سالهای اخیر از طریق توسل به راه حل‌های " میلتنون فریدمان " میلیونها نفر را فقط در سطح اروپا به بیکاری و فقر سوق داده است . از اوایل دهه ۸۰ گفته شد که باید دستمزدها را کاهش داد و یک دوره صرفه جویی را تحمل نمود . گویا با پانین آمدن دستمزدها سود موسسات خصوصی بالا می رود ، سرمایه گذاری تشویق می شود و درجه

اشتغال بالا میرود و خود به افزایش مصرف و رونق تولید کمک می کند . " فداکاریهای امروز سرمایه گذاری فردا و مشاغل پس فردا " شعاری است که می شود گفت همه کشورهای معظم سرمایه داری بویژه بعد از فروپاشی شوروی ، از سوسیال دموکراسی گرفته تا محافظه کارترین جناح بورژوازی ، کارگزار آن شدند .

حمله به دستمزدها ، تشویق کار سیاه ، استخدام کارگران اروپای شرقی با دستمزدهای کم و بدون هیچگونه مزایا و بصورت غیر قانونی ، بمنظور صرفه جویی در هزینه های نیروی کار گرفته شدند .

۱۵- اگر ادعا نمایم که جهان بار دیگر در آستانه سالهائی نظیر سالهای بحرانی

۱۹۲۹-۳۰ با ابعادی بسیار وسیعتر قرار گرفته است ، بیراه نگفته ایم . امروز زیر فشار سرمایه انحصاری و کارکرد بحرانهای سرمایه داری ، تنها کشورهای در حال رشد نیستند که طبق رهنمود بانکهای جهانی تحت فرمان انحصارات ، به حذف سوبسیدهای دولتی ، هزینه تامینات اجتماعی ، کاهش دستمزد ها و اخراج دستجمعی مشغول هستند . بلکه بیکاری میلیونی و کم سابقه در کشورهای غربی ، گسترش فقر ، حذف امتیازات و تامینات اجتماعی ، امکانات رفاهی و بهداشتی و غیره گسترش یافته و ظهور دستجات فاشیستی بیگانه ستیز و نژاد پرست را به همراه آورده و عملا زمینه های ظهور فاشیسم را فراهم می نماید . سرمایه داری تلاش می کند با استفاده از زرادخانه تبلیغاتی خود ، جامعه را متقاعد کند تا به جای یافتن علل واقعی اذبار خود و مبارزه با آن ، در جستجوی گروه های اجتماعی باشند که دارای ناهمگونیهای فرهنگی و ملی و نژادی بوده و

مسئولیت تمام نابسامانیها و بحرانها را بگردن آنها بیاندازند . این اقشار در وهله نخست مهاجرانی هستند که همه جا بعنوان مسببین بیکاری مورد تعرض دستجات فاشیستی قرار می گیرند .

۱۶- اما سرمایه داری محصول تکامل طولانی و نتیجه دگرگونیهای مهمی در شیوه تولید بوده است. تکامل شیوه و ابزارهای تولید ، روند جهانی شدن آن ، چه در زمینه طبقات اجتماعی و چه در زمینه شکل و ترکیب نیروهای اجتماعی تحولاتی را بوجود آورده است .

بورژوازی هر جا که تسلط یافته ، تمام مناسبات ما قبل خود را ویران کرده ، نیاز بفروش مقادیر هر دم فزون یابنده کالا، بورژوازی را از همان اول بسمت بازارهای جدیدی سوق داد وبا بهره گیری از بازار جهانی به تولید و مصرف کشورها خصلت جهانی بخشید . این امر بویژه از آغاز قرن و پیدایش انحصارات و صدور سرمایه سرعت جدیدی بخود گرفته و در دهه های اخیر با انقلاب مداوم تکنولوژیک و انفورماتیک و تکامل مداوم ابزارهای تولید بطور واقعی مرزهای ملی را در هم شکست.

جهانی شدن سرمایه که از طریق منطقه ای شدن پیش می رود ، رشد وسایل ارتباطات و اطلاعات و همه ملل در سراسر جهان را به حوزه سرمایه داری کشانده است .

بورژوازی تمام دیوارها را ویران ساخته و ملل را بهمديگر وصل نموده و مرزهای ملی را بی معنی نموده و زندگی مردم جهان را بهم پیوند داده است . مسایل ، معضلات و مبارزات آنها را به طرف همزمانی و هم سطحی بیشتر سوق می دهد . همینطور بحران سرمایه داری ، آگاهی ، تشکل و

خواستهای طبقه کارگر را نیز در سراسر جهان بهم نزدیک و زمینه اتحاد و همپیوستگی آن را بیش از پیش فراهم نموده است.

فصل چهارم

سوسیالیسم

۱- دوره اول : بدنبال رشد و پیروزیهای بورژوازی بر نظامات فئودالی ، طبقه کارگر در سال ۱۸۴۸ اولین گامها را بسمت تشکل حزبی برداشت . با تشکیل اتحادیه کمونیستها و تدوین مانیفست کمونیست بعنوان اولین برنامه حزب کمونیست ، اعلام شد که طبقه کارگر حامل راه حل تاریخی تضادهای سرمایه داریست . اما شکست مبارزات کارگران در همین سالها و پیروزی سرمایه داری بر اولین قیام طبقه کارگری نشاندهنده عدم آمادگی اوضاع برای یک انقلاب سوسیالیستی بود .

۲- شکست جنبش طبقه کارگر که با دوره رونق دوباره سرمایه داری توأم بود ، کمونیستها و مقدم بر همه اعضای اتحادیه کمونیستها را به جمعبدی این شکستها تشویق نمود . ولی در ۱۸۶۴ و تشکیل انترناسیونال اول بر زمینه رشد و تکامل سرمایه داری ، طبقه کارگر نیز وسیعتر و به لحاظ کمی و کیفی آماده تر از قبل وارد مبارزه اقتصادی شد و با تشکیل انترناسیونال اول به ابتکار کارگران فرانسه و انگلیس ، هزاران کارگر از کشورهای مختلف سرمایه داری را بخود جلب نمود . اما مبارزات کارگران بر زمینه تکامل سرمایه داری هنوز مبارزه ای اقتصادی بود . حضور

مارکس و بقیه اعضای اتحادیه ، نظرات مارکس را در میان کارگران توسعه داده و وجه تمایز خود را با جریانات آنارشویستی معین نمود .

۳- فرا رسیدن بحران ۱۸۷۰ و جنگ فرانسه و پروس و شکست امپراطوری دوم ، بیکاری و فقر و گرسنگی را بر مردم کارگر و زحمتکش پاریس که در محاصره نیروهای بیسمارک بسر می بردند ، به ارمغان آورد . قیام مسلحانه کارگران پاریس به برپایی کوتاه مدت کمون پاریس منجر شد . کمون پاریس که نتیجه اولین حمله مستقیم پرولتاریا به دژ سرمایه داری محسوب میشد ، تجربیات و آموزشهای زیادی بر جای گذاشت . اما با شکست خونین کمون پاریس و قتل عام کموناردها توسط بورژوازی که با دوره دیگری از رونق اقتصادی سرمایه داری همراه بود ، به اضمحلال انترناسیونال اول و حاکم شدن یک دوره رکود نسبی بر جنبش کارگری انجامید .

۴- همزمان با دوره جدید رونق سرمایه داری ، طبقه کارگر نیز بتدریج شانه های خود را از زیر شکست سنگین کمون پاریس و از هم پاشی انترناسیونال اول بیرون آورد و برای مبارزه با سرمایه داری دست به ایجاد سازمانهایی نظیر اتحادیه ها ، صندوقهای بیکاری و غیره زد . در این دوره ، اتحادیه ها و احزاب سیاسی طبقه کارگر بر زمینه صعود سرمایه داری شکل می گرفتند که حداکثر سود را از بازارهای داخلی و خارجی بیرون می کشید .

در این شرایط مبارزه برای مطالبات رفاهی ، نظیر تقلیل ساعات کار ، حق تشکل ، افزایش دستمزدها به نتیجه مطلوب می رسیدند .

بدین ترتیب تحمیل برخی رفتارها به بورژوازی (که پیروزیهای مهمی برای طبقه کارگر در رسیدن به خواستههای صنفی و اقتصادی محسوب میشد) خود زمینه ساز انحرافات معینی در جنبش طبقه کارگر گردید .

تصور می شد که دیگر امکانات تحول تدریجی سرمایه داری به سوسیالیسم فراهم آمده است و که متعاقب آن زمینه انحرافات بعدی در انترناسیونال دوم و احزاب سوسیال دموکرات بوجود آمدند .

۵- با اضمحلال انترناسیونال اول که گرایشات مختلف فکری را در خود جمع کرده بود ، حزب سوسیال دموکرات گرایش مارکسیستی برهبری لیبکنشت و بیل تاسیس شد و با رشد سرمایه داری در دهه های آخر قرن نوزدهم امکان و ضرورت تشکیل احزاب و سازمانهای پرولتری ، بار دیگر در دستور قرار گرفت بدین ترتیب بر زمینه رشد سرمایه داری ، پروسه تشکیل احزاب در کشورهای صنعتی آغاز و به تاسیس انترناسیونال دوم در ۱۸۸۹ منجر شد .

۶- انترناسیونال دوم که ابتدا از وحدت جریانات مارکسیستی و طرفدار مانیفست تشکیل شده بود، بر زمینه صعود سرمایه داری ، به رفرمیسم و انحطاط گرائید ، پیروزی بورژوازی ، سلطه ناسیونالیسم ، میهن پرستی در تشکلهای توده های طبقه کارگر بود.

انحطاط انترناسیونال دوم با گذار سرمایه داری به دوران امپریالیسم و انحصارات توأم بود . با تشدید تضادهای امپریالیسم و با تفوق ارزشهای بورژوازی ، نظیر میهن پرستی و ناسیونالیسم ، گرایش طبقه کارگر را به سمت بسیج شدن برای جبهه های جنگ و تبدیل شدن به گوشت دم توپ بورژوازی امپریالیستی توسعه داد .

مباحثات تنوریک در انترناسیونال دوم ، بر زمینه بیداری مجدد پرولتاریا در شرایط نوین ، تاسیس احزاب طبقاتی پرولتاری رامکن ساخت . سازمانهای پرولتاری ماقبل انحصارات از جمله احزاب انترناسیونال دوم که با وجود افتادن به دامان بورژوازی دستاوردهای تنوریک و عملی فراوانی بهمراه داشتند ، قادر به پاسخگویی به مسائل نوین و نیاز های مبارزه طبقاتی ناشی از این شرایط نبودند .

احزاب کمونیست میبایست در دوران زوال بورژوازی به مساله اساسی انقلاب اجتماعی و کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و ساختمان سوسیالیسم پاسخ می دادند .

سومین انترناسیونال ، با وفاداری به مارکسیسم گرد اقلیت های نظری که بر علیه خیانت سوسیال دمکراسی مبارزه کرده بودند ، شکل گرفت و سرانجام حزب بلشویک به آن قطبی تبدیل شد که انترناسیونال سوم بر محور آن شکل گرفت .

۷- تشدید تضادهای امپریالیسم ، اولین جنگ جهانی را شعله ور کرد ، در حالی که انترناسیونال به همراه بورژوازی با تبلیغات ناسیونالیستی و میهن پرستی ، طبقه کارگر را به سوی جنگ بسیج می کردند ، احزاب کمونیستی نظیر حزب بلشویک در روسیه در راه بسیج ، سازماندهی و آموزش طبقه کارگر برای سرنگونی بورژوازی تلاش می نمودند . این تلاشها در سازماندهی و رهبری انقلاب اکتبر در روسیه نتیجه داد .

۸- انقلاب اکتبر از نظر تاریخی نقطه آغاز بزرگترین تحولی بود که تاریخ بشر برای اولین بار تجربه می کرد . با انقلاب اکتبر دوران سقوط سرمایه داری و پیروزی انقلابات اجتماعی شروع شد . قبل از انقلاب اکتبر طبقه

کارگر بصورت طبقه حاکم در یک کشور قدرت سیاسی را بدست نگرفته بود و با انتلافی از دشمنان رنگارنگ طبقاتی خود ننگیده بود . با انقلاب اکتبر بشر به تغییر نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم و آفرینش جامعه ای عاری از ستم و استثمار باور پیدا کرد .

با پیروزی انقلاب اکتبر دوران انقلابات کارگری و گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و دوران پیروزی بشر بر استثمار و استعمار ، پیروزی بر جهل و تیره روزی آغاز گردید .

پیروزی انقلاب اکتبر نه تنها به جنبش کارگری جهانی جان تازه ای بخشید ، بلکه توده های عظیم اقشار مورد استثمار ، خلقهای تحت ستم و اسارت امپریالیسم و استعمار را به میدان مبارزه کشاند ، جهان بینی مارکسیسم ، تنوری و تاکتیک انقلاب پرولتری و لنینیسیم بسرعت در پنج قاره جهان گسترش یافت .

انقلاب اکتبر در عین حال که پیروزیهای درخشانی برای بشریت به ارمغان آورد ، سرآغاز انقلاب عظیم فکری جامعه بشری نیز بود .

۹- انقلاب اکتبر بازار واحد و جهاتشمول سرمایه داری و زنجیر امپریالیسم را از هم درید و آغاز بی بازگشت بحران عمومی سرمایه داری را که با جنگ جهانی اول آغاز شده بود ، نمایان ساخت .

۱۰- با پیروزی انقلاب اکتبر بحران عمومی نظام سرمایه داری باز هم تشدید شد و جنگ جهانی دوم ، دومین تظاهر عظیم این بحران علاج ناپذیر بود .

۱۱- جنگ جهانی دوم که در عین حال یک جنگ تمام عیار علیه اتحاد شوروی و سوسیالیسم و انقلاب پرولتری محسوب می شد . نه تنها قادر به

حل بحران عمومی و بی بازگشت سرمایه داری نشد ، بلکه به پیروزی یکسری انقلابات پرولتری و رهانیبخش در کشور های مختلف انجامید . طبقه کارگر با مبارزات خود در کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیز به دستاوردهای شگفتی دست یافت .

اما در طول ساختمان سوسیالیسم یک سری عوامل عینی و ذهنی منجر به تحولاتی شد که احیای سرمایه داری در شوروی و سرانجام فروپاشی آنرا موجب شد .

۱۲- بر خلاف پیشبینی های اولیه مارکس ، نخستین انقلاب کارگری نه در کشورهای پیشرفته سرمایه داری بلکه در کشورهایی با رشد نسبتا متوسط سرمایه داری پیروز شد . علاوه بر آن از همان آغاز سرمایه جهانی با ایجاد جبهه واحدی از چندین کشور سرمایه داری امپریالیستی مورد حمله قرار گرفت . جنگ داخلی متعاقب آن و آغاز جنگ جهانی دوم و جنگ سرد و صدها توطئه ریز و درشت دیگر ، نقش بسیار مخربی در تمام مراحل سیاسی و اقتصادی ساختمان سوسیالیسم بوجود آورد .

۱۳- اگر چه برنامه اولین دولت کارگری برای دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم ، لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و استقرار مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید و توزیع ، تکامل برنامه ریزی شده اقتصاد ، اجرای انقلاب فرهنگی ، لغو ستم جنسی ، ملی و.... بود معهذآ تجربه تاریخی نشان داد که مساله ساختمان سوسیالیسم و دوران گذار به کمونیسم ، بسیار پیچیده تر از آنست که ابتدا تصور میشد .

۱۴- در کنار عوامل خارجی اما علت اساسی را باید در تاریخ خود انقلاب کارگری شوروی جستجو کرد .

اگر با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر (بجز دوره هایی غیره نمونه وار) تمامی مبارزه سیاسی عبارت بوده است از نبرد برای احراز قدرت بین پرولتاریا و بورژوازی که نیروی محرکه اصلی تاریخ معاصر را تشکیل می دهند . آنگاه در شوروی نیز که دوران گذار را طی می کرد ، این نبرد طبقاتی را مبارزه بین بورژوازی سرنگون شده ای که هنوز امید به احیای مجدد را از دست نداده بود و طبقه کارگری که قدرت سیاسی را بچنگ آورده بود ، اما هنوز اهداف اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را کاملا مستقر نکرده بود ، تشکیل می داد .

نتیجه نبرد این عوامل اقتصادی بخاطر اشتباهات و انحرافات حزب کمونیست شوروی ، از جمله شکلگیری بوروکراسی ، اعلام از بین رفتن طبقات و غیر ضرور بودن مبارزه طبقاتی و محدود شدن نقش شوراها و آزادیهای سیاسی و توهم گذار جامعه به فاز کمونیسم پیشرفته و سوسیالیسم را از مسیر تاریخی خود منحرف و دچار موانع و مشکلاتی کرد که روند بازگشت سرمایه داری را ممکن گرداند .

با فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی " مرگ کمونیسم " در بوقهای تبلیغاتی سرمایه داری جهانی دمیده شد . پیروزی قطعی نظام سرمایه داری بر سوسیالیسم و استقرار " نظم نوین جهانی " از سوی مقتدر ترین کشورهای سرمایه داری (امپریالیسم آمریکا) اعلام گردید و یکدوره کوتاه مدتی که با خیانت و رویگردانی بسیاری از سوسیالیستهای در حرف ، توأم بود به جنبش کارگری کمونیستی حاکم گردید .

۱۵- تداوم بحران سرمایه داری علیرغم "راه حل‌های" نئولیبرالیسم ، همراه با جهانی شدن بیش از پیش سرمایه داری ، نقش شرکتهای چند ملیتی ،

طبقه کارگر و زحمتکشان جوامع بشری را نسبت به توهم پراکنی بورژوازی درباره محسنات "نظم نوین" بیش از پیش آگاه کرد و با خوابیدن گرد و خاک ناشی از این تبلیغات جنبش جهانی کارگری کمونیستی بار دیگر سر بلند کرد و آرامش سرمایه داری را برهم زد.

۱۶- "شبح کمونیسم" این بار بر زمینه رشد همه جانبه نیروهای مولده، تکامل ابزارهای تولید، انقلاب عظیم تکنولوژیک و انفورماتیک و رشد و ارتقا آگاهی و همبستگی طبقه کارگر در سراسر جهان و بر زمینه پیکار عظیم اکثریت جامعه بشری علیه ستم و استثمار سرمایه داری به جولان در آمده است.

۱۷- پیشتازان طبقه کارگر، احزاب، افراد و جریانات کمونیستی با بازیابی و نقد و جمع بندی اشتباهات و پیروزیها، در راه نوسازی جنبش کمونیستی و سازماندهی احزاب طبقاتی گام بر می دارند.

۱۸- قرن بیست و یکم امکانات مادی و معنوی بیشتری را برای استقرار سوسیالیسم فراهم نموده است. مبارزه طبقاتی در قرن بیست و یکم با اوضاع و احوال متفاوتی از دوره پیروزی انقلاب اکتبر خواهد بود. رشد و گسترش بیسابقه تکنولوژی، توسعه عظیم تجارت و بکارگیری مدرن ترین وسایل ارتباط جمعی و تبدیل شدن اطلاعات به کالا، افزایش آگاهی و تخصص و آموزش پرولتاریا، گسترش دستگاهها و ابزارهای کامپیوتری، به کارگیری روباتها، پروسه جهانی شدن سرمایه داری و تسلط کامل نظام سرمایه داری در اقصی نقاط جهان، به حاشیه رانده شدن مسایل ملی، مستعمراتی و ... و به جلو صحنه رانده شدن جنبش کارگری در کشورهای غنی و فقیر، پیشرفته و در حال توسعه، هم سطح شدن شرایط

زندگی ، تجربیات در خواستها و مبارزات ، همه و همه نه تنها شکلگیری و نوسازی و بازسازی احزاب کمونیست را بر مبنای برنامه و اهداف طبقاتی استوار خواهد کرد ، بلکه اتحاد آن در سطح جهان را نیز نه بر مبنای شکلگیری حول محور این قطب یا آن قطب جهانی ، بلکه بر مبنای سطح بسیار پیشرفته تری از برنامه و در خواستهای جدید شکل خواهد داد .

۱۹- تمام جابجایی ها ، اتفاقات و اتحاد ها ، چه در چارچوب یک کشور و چه در سطح جهانی ، یک چنین هدفی را دنبال خواهند کرد و شرایط آستانه هزاره سوم و اوضاع مشخص جهان چنین قطب بندی‌هایی را برای تشکیل احزاب کمونیست ، شکلگیری جنبش جهانی کمونیستی و تحقق انقلاب اجتماعی طبقه کارگر آماده نموده است .

فصل پنجم

سیمای عمومی سرمایه داری در ایران از آغاز

قرن

۱- همزمان با ورود سرمایه داری به عصر امپریالیسم و سیادت سرمایه مالی ، زمینه های رشد شیوه تولید بورژوازی در ایران فراهم شد . نقش امپریالیسم روس در شمال و انگلیس در جنوب و درگیری و تضاد بین آنها ، برای تسلط بر منابع و مواد خام ، بازار کار ارزان ، در شکل و شیوه تکامل نظام سرمایه داری در ایران نقش مهمی بازی کرده است . قرار دادهای ۱۸۶۲-۱۸۶۵-۱۸۷۲ مربوط به خطوط تلگراف ۱۸۸۸ ، شوسه معاهدات مربوط به اخذ وام و امتیاز تنباکو ، امتیاز شیلات ، بیمه و حمل و نقل دریایی ، زمینی ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ اخذ وامهای اعتباری از روسیه ، بلژیک ، انگلیس و دهها قرارداد ریز و درشت دیگر در این دوره ، زمینه ها و زیر ساختهای رشد سرمایه داری در ایران و ابعاد و آماجهای آنرا تعیین کردند .

۲- انقلاب مشروطیت : تکامل جامعه از فنودالیسم به سمت سرمایه داری که با مقاومت ارتجاع داخلی مواجه بود مراحل بغرنجی را طی کرد که با انقلابات و قیامهای متعددی توأم بوده است . از جمله انقلاب مشروطیت که

قادر نشد راه رشد مستقل ایران را در راستای تبدیل شدن به یک کشور پیشرفته صنعتی باز نماید. از آن پس رشد سرمایه داری در ایران نه ملازم با دموکراسی و آزادیهای سیاسی و مدنی، بلکه از طریق تمرکز قدرت و استبداد و دیکتاتوری تکامل یافته است. منتها در دوره های کوتاهی مردم توانسته اند با مبارزات خود از آزادی و استقلال نسبی برخوردار باشند.

۳- کودتای ۱۲۹۹ که منجر به تاجگذاری رضا خان شد، گردش کشور بسمت تمرکز و دیکتاتوری و رشد مدرنیزاسیون جامعه در این چهارچوب را قطعیت بخشید.

۴- تحت تاثیر جنگ جهانی دوم و دوره ای از آزادیهای سیاسی بعد از جنگ، امکان نسبی رشد بورژوازی ملی در ایران فراهم شد. که در وقایع این دوره از جمله جنبش ملی کردن نفت و تبلور یافت. اما با کودتای ۲۸ مرداد (۱۳۳۲) تمرکز قبلی احیا شد و این بار ایران تحت انقیاد کامل امپریالیسم آمریکا قرار گرفت و توسط مستشاران نظامی، اقتصادی و ... آمریکا هدایت شد.

۵- بر مبنای رشد تدریجی مناسبات بورژوازی در بطن نظام نیمه فئودالی ایران، اصلاحات ارضی و برخی رفرمهای دیگر جهت تسهیل سلطه کامل سرمایه داری در دهه چهل، انجام گرفت.

شکست فئودالیسم و بسط مناسبات سرمایه داری در طی دوره سوم رشد سرمایه داری انجام گرفت. این انقلاب از پائین نبود که فئودالیسم را شکست داد و مناسبات سرمایه داری را مسلط کرد، بلکه بوسیله رفرمهایی که امپریالیسم آمریکا طراحی کرده بود و توسط شاه و دولت وی پیاده شد، به سرانجام رسید.

رشد سرمایه داری در ایران نه با محرکه داخلی بلکه برای پاسخگویی به بحران تراکم و تمرکز سرمایه در عرصه جهانی انجام گرفت. ازاینرو نه تنها آموزش و تحول سیاسی در جهت آزادیهای دموکراتیک بوجود نیامد، بلکه به لحاظ اقتصادی نیز با تکیه بر درآمد نفت، تمرکز و انحصار دولت پا برجا ماند. در جریان این تحولات بورژوازی بزرگ، فنودلهای بورژوا شده با بورژوازی متوسط، زیر چتر شرکتها و موسسات مالی و صنعتی بزرگ در شهرها و اراضی مکانیزه بزرگ وکشت و صنعت و شرکتهای سهامی زراعی و غیره در روستاها متحد شدند و دهقانان در تقابل با ساخت جدیدی که شکل می گرفت به سوی شهرها روی آوردند و بدین ترتیب مناسبات سرمایه داری در روستاهای ایران نیز آغاز به استقرار کرد.

۶- ساختارهای انحصاری بوروکراتیک و ارتجاعی دولتی بعنوان مجری رفرمها، این پروسه را با درد و رنج فراوان همراه کرد که اولاً میلیونها دهقان تهیدست بعد از گذشتن از غربال رفرمهای بورژوائی و رانده شدن به سوی شهرها قبل از اینکه فرصت ادغام در نظام سرمایه داری را بدست آورند با عوارض منفی رفرمها بر سطح زندگی خود مواجه شدند.

دوم اینکه شتاب تند رفرمها با تکیه بر در آمد نفت، در چهارچوب قدرت سیاسی که هیچگونه تحول بنیادی در آن صورت نگرفته بود و نیز در چهارچوب شالوده چند ساختاری ایران، باعث شد که در فاصله کوتاهی خرده بورژوازی سنتی و خرده بورژوازی شهر خود را در تنگنای از دست دادن سهم خویش ببینند. در این میان خیل عظیم دهقانانی هم که جذب سرمایه داری شدند و در کارخانجات و کارگاهها به کارگری مشغول شدند.

هر چند که از نظر موقعیت اجتماعی و رابطه شان با ابزار تولید تغییراتی ایجاد شد، اما به لحاظ تفکر، باورهای ایدئولوژیک و روانشناسی اجتماعی سنتی باقی مانده و بقول معروف یک پایشان در شهر و یک پایشان در روستا گیر کرد.

افشار وسیع خرده بورژوازی مدرن همپای اصلاحات بورژوایی در مناسبات تولیدی مدرن جذب شدند. در آغاز پذیرای نتایج مثبت آن از جمله بوجود آمدن مشاغل جدید، گسترش دانشگاهها و مدارس عالی، افزایش درآمدها و غیره شدند. اما زمانی که رشد سرمایه داری تبعات منفی خود را بروز داد، پائین آمدن قیمت نفت و تشدید بحران اقتصادی این افشار وسیع اجتماعی را بسوی مخالفت سوق داد و مجموعه اینها از جمله آن زمینه هایی بود که جنبش عظیم توده ای منجر به قیام ۵۷ و استقرار جمهوری اسلامی را ممکن ساخت.

۸- انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ایران یکی از مهمترین تحولات در تاریخ یکصد ساله ایران محسوب می شود. انقلاب ایران اگر چه خواسته های توده های قیام کننده را پیرامون آزادی و عدالت اجتماعی متحقق نکرد و در این رابطه قیام توده ها با شکست مواجه شد معهذاً، از نقطه نظر پروسه رشد سرمایه داری در ایران از دوران مشروطیت باین سو، با حفظ سیستم متمرکز دولتی که در آن ولایت فقیه بجای شاه و اسلام بجای ناسیونالیسم مدرن گرای ایرانی قرار گرفت، اما تحولات مهمی را در ساختارهای اقتصادی ایران طی نزدیک به بیست سال اخیر بوجود آورده است. بسیاری از این تغییرات از جمله اهداف انقلاب مشروطیت و جنبشهای بورژوایی بعد از آن بودند.

انقلاب ۵۷ رژیم سلطنتی در ایران را بر افکند ، بورژوازی معروف به کمپرادور را از اریکه قدرت بزیر کشید . یکی از پایگاههای سرمایه جهانی را از میان برداشت . استقلال سیاسی ایران را تا حدی که ملازمه شرایط جهان سرمایه داریست ، تأمین نمود و خیلی از شعارهای پوپولیستی ، نظیر ملی کردن بانکها ، صنایع بزرگ ، قانون اصلاحات ارضی و را در اوایل به اجرا در آورد . و تمام عوامل فوق زمینه های رشد بعدی بورژوازی و صف بندی طبقاتی در ایران را تسهیل نمود .

۱۰- درگیری با آمریکا ، جنگ ایران و عراق ، ازهم پاشی شوروی و ایجاد بازارهای جدید در آسیای میانه ، اجرای برخی رفرمهای بورژوازی در چهارچوب اراضی ای که قبلاً به شیوه فنودالی اداره و یا به بقایای فنودالیسم تعلق داشتند ، بهمراه گسترش دانشگاهها ، مدارس عالی و از جمله عوامل و زمینه های رشد وسیع سرمایه داری در سالهای اخیر را فراهم نمودند .

۱۱- سرمایه داری ایران که از طریق روبنای مذهبی تمامی مخالفین خود را سرکوب و از میدان بدر نمود و مدت‌های مدیدی توده های مردم را نسبت به اقدامات خود متوهم کرد ، در پروسه گسترش خود تحولاتی را در روبنای سیاسی طلب می کرد .

استقرار سرمایه داری در ایران و تحقق اهدافی که از انقلاب مشروطیت دنبال می شد، در وجه آزادیهای سیاسی و ایجاد جامعه مدنی با مشکلاتی مواجه بوده که عمدتاً ناشی از تمرکز فوق العاده قدرت سیاسی طی صده اخیر بوده که خود از ملزومات دوام و رشد بورژوازی در ایران محسوب می شده است .

۱۲ - رشد سرمایه داری در سالهای اخیر و گسترش و تکامل آن از یکسو ، سرکوب ابتدایی ترین آزادیهای سیاسی و مدنی طی این بیست سال از سوی دیگر ، باعث شده است تا در پاسخ به نیازمندیهای سرمایه جهانی مسأله آزادیهای سیاسی و ایجاد جامعه مدنی از سوی گروه های اجتماعی مختلف مطرح شود که خود علاوه بر رشد و گسترش مبارزات مردم ، بر درجه ای از رشد مناسبات سرمایه داری و تکامل نیروهای مولده در ایران دلالت دارد .

فصل ششم

سیمای عمومی سوسیالیسم در ایران

فعالیت‌های سوسیال دموکراتیک و کمونیستی در ایران از همان دوران انقلاب مشروطیت آغاز شد و در جریان مبارزه به تشکیل گروه‌های سوسیال دموکرات (که تحت تاثیر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بودند) با برنامه ای بورژوا - دموکراتیک منجر شد. با وجود دستاوردهای مثبت سوسیال دموکراتها در انقلاب مشروطیت و قیام‌های متعاقب آن، اما بدلیل عدم تکامل طبقه کارگر و ناتوانی از شناخت خصوصیات امپریالیسم و عوامل متعدد دیگر، از ایفای نقش تاریخی خود بازماندند و شکست انقلاب مشروطیت مستولی شدن یک دوران رکود تا تشکیل حزب عدالت و سپس تاسیس حزب کمونیست، فعالیت‌های موثر سوسیال دموکراتیک در ایران را با رکود توأم شد.

جنبش کمونیستی کارگری روسیه نقش مهمی در شکلگیری آگاهی کمونیستی و سوسیال دموکراتیک در جنبش کارگری ایران داشت. شکلگیری اولین هسته‌های سوسیال دموکراتیک در بین کارگران مهاجر و گسترش آن در ایران مباحثات و اختلاف نظرات جنبش سوسیال دموکراسی روسیه را در خود منعکس کرده و این پیوند سالهای متمادی در حیات

جنبش کمونیستی ایران نقش ایفا کرده است . اولین اختلاف نظر استراتژیک حول انقلاب ایران انعکاسی از مواضع بلشویکها و منشویکها در روسیه بود .

۳- ضبط کلیه اراضی ، دولتی یا فنودالها و مالکان ارضی ، تقسیم آن میان زارعین ، آزادی مطبوعات ، گفتار مجامع ، اشخاص ، احزاب ، اعتصابات ، تشکل ، تعلیمات عمومی اجتماعی ، تغییر سیستم مالیاتی ، مالیاتهای تصاعدی بر ثروت ، حق انتخابات عمومی با رای مساوی ، مخفی مستقیم و سایر خواستههای بورژوا - دموکراتیک اولین برنامه سوسیال دموکراسی برای انقلاب ایران بود .

۴- تکامل گروه های سوسیال دموکرات منجر به تشکیل حزب عدالت شد و بموازات تکامل مبارزه طبقاتی در روسیه و پیروزی انقلاب اکتبر حزب عدالت به حزب کمونیست ایران تکامل یافت . حزب کمونیست ایران محصول تجزیه و ترکیب و تکامل گروه های سوسیال دموکرات در دو جهت سوسیال دموکراسی و کمونیستی ، بعبارت دیگر منشویسم و بلشویسم بود (رجوع شود به جلسه ۳۰ تن از سوسیال دموکراتهای تبریز و اختلاف بر سر شرایط عینی انقلاب)

۵- در نتیجه جنگ و پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه ، فرار و یا محدودیت ملاکین و سرمایه داران بزرگ ، کمیابی کالاها ، فعالیت مجدد صنایع کوچک داخلی را گسترش داد و صنایع ملی در پاسخ به نیازمندیهای داخلی انکشاف یافتند . در نتیجه تحکیم موقعیت بورژوازی داخلی و طبقه کارگر ، مبارزه بر ضد استعمار خارجی و علیه اشرافیت فنودال جان تازه ای گرفت

، تحت تاثیر انقلاب اکتبر ، موجهای جدید قیام از جمله به تشکیل دولت
انتلافی (شورایی) گیلان منجر شد .

۶- موضع نسبت به ائتلاف رضا خان سید ضیاء ، هم در حزب کمونیست
اتحاد شوروی که وقایع ایران را دنبال می کرد و هم در اولین کنگره حزب
کمونیست ایران و در فاصله دو کنگره (حول انقلابی و ملی دانستن این
ائتلاف و یا ضد انقلابی دانستن آن) به اختلافات دامن زد . این کنگره در
۲۳ ژوئیه ۱۹۲۰ برگزار شد .

۷- در پلنوم دوم که همزمان با شکلگیری کمینترن و مباحثات دورن آن ،
پیرامون موضع در قبال جنبشهای رهانیبخش و نقش بورژوازی ملی در
آنها تشکیل شده بود ، تزه‌های معروف حیدر خان به تصویب رسید . عملاً
حزب به دو گرایش دارای برنامه مجزا منقسم شد (برنامه حزب کمونیست
، رجوع شود به انقلاب ایران و وظایف پرولتاریا ص ۱۳۵ و یا اسناد دیگر
در این باره)

۸- با پیروزی خط مشی انقلابی ، حزب کمونیست با گسترش تشکیلات خود
در داخل و شرکت در مبارزه نقش مهمی در ارتقای آگاهی و سازمانیابی
طبقه کارگر ایران ایفا کرد، تشکیل اتحادیه ها ، سندیکاها و سازماندهی
اعتصابات در سراسر کشور از جمله اقدامات حزب کمونیست بود .

۹- بورژوازی ملی همراه با خرده بورژوازی مرفه و اقلشار مختلف جامعه
روشنفکری ایران که در جنبش دوران مشروطیت شرکت داشتند در هراس
از تعمیق جنبش توده ای و بمنظور سهیم شدن در قدرت سیاسی به دنباله
روی از رضا خان پرداختند در این زمان بخشی از رهبری حزب کمونیست
نیز بدام فریبکاریهای امپریالیسم انگلیس و عوامل آنها افتادند . آنها در

وجود رضا خان آن عنصر دموکرات و ملی را می دیند که با هدف کسب استقلال سیاسی و اقتصادی و ندای جمهوریخواهی وارد صحنه سیاسی شده بود. جناح اپورتونیست معتقد بود که " با وجود دولت رضا خان و با حمایت پرولتاریا و حزب کمونیست از آن نه تنها می توان مبارزه ضد امپریالیستی را پیش برد ، بلکه گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم نیز امکانپذیر است " گرایش فکری که در همین زمان در حزب کمونیست شوروی نیز بوجود آمده بود . و در کمینترن نیز حول این موضوع مباحثه بود.

۱۰- کنگره دوم حزب کمونیست در ۱۳۰۶ منعقد شد ، تداوم مباحثات در کمینترن که در آنجا اساسا نسبت به جنبشهای بورژوا ملی موضع رادیکالی اتخاذ شد ، از یکسو و تاجگذاری رضا خان ، تبدیل شدن وی به بزرگترین فنودال زمان خود ، گسترش سرکوب و منجر به تحکیم موقعیت کمونیستها در کنگره و مرزبندی با انحرافات گذشته شد . حزب در این زمان با ، ایجاد تشکلهای توده ای کارگران و سازماندهی حوزه های حزبی در مناطق کارگری نقش بسیار مهمی در تحولات کشور بازی می کرد.

۱۱- اما رضا خان با تمرکز قدرت سیاسی به سرکوب عنان گسیخته جنبشهای کارگری و ترقی خواهانه اقدام و با تصویب قانون سیاه ۱۳۱۰ به سرکوب حزب کمونیست و تشکلهای کارگری پرداخت . فعالیت کمونیستی تا ۱۳۲۰ بکلی ممنوع اعلام گردید. این امر با انحرافات حزب کمونیست شوروی همزمان بود .

۱۲- جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران ، گذشته از تأثیرات منفی ، تأثیرات دیگری در ساختار اقتصادی اجتماعی ایران بر جای گذاشت . رشد

صنایع داخلی طی این دوره به گسترش و قوام بورژوازی ملی از یکسو و طبقه کارگر از سوی دیگر انجامید. از مقطع ۱۹۲۰ که حکومت رضا شاه ساقط شد چندین سال فضای باز سیاسی به تشکیل احزاب، اتحادیه های کارگری و گسترش مبارزه طبقاتی و ملی و غیره امکان داد، تشکیل حزب توده بر یک چنین زمینه ای صورت گرفت.

۱۳- حزب توده محصول جنبش انقلابی و تکامل سازمانهای مارکسیستی نبود. نتیجه شرایط ویژه ای از اوضاع داخلی و بین المللی و حاصل تجمع افراد و عناصر نامتجانس از لحاظ ایدئولوژیک، خصلت و ماهیت طبقاتی و اهداف مبارزاتی بود. مهمتر از آن بر اساس نیازهای جبهه های ضد فاشیستی و تحت تأثیر سیاست حزب کمونیست شوروی در این رابطه شکل گرفت و برنامه آن در مقطع تاسیس از برنامه اولین گروههای سوسیال دموکرات نیز عقب تر بود.

۱۴- در این دوره حزب توده به بزرگترین حزب سیاسی ایران و خاورمیانه تبدیل شد. اما تفوق جهان بینی التقاطی، بکارگیری اسلوب متافیزیکی در تمامی زمینه ها و انعکاس آن در برنامه و تاکتیکها، رهبری حزب را در مقابل حوادث و جریانات روزمره خلع سلاح و به دنباله روی از حوادث سوق داد.

۱۵- کودتای ۲۸ مرداد، شکلگیری دوباره ساختار متمرکز انحصاری دولتی که با سرکوب خونین جنبش کارگری و ترقیخواهانه همراه بود یک دوره رکود طولانی مدت را بر جنبش کارگری تحمیل نمود. علاوه بر آن تعمیق انحرافات و تحکم قدرت بوروکراسی در اتحاد شوروی تأثیرات زیانبار خود را بر جنبش کارگری ایران بر جای گذاشت و نقش بزرگی در

شکست جنبش انقلابی و کارگری در این دوره و بوجود آمدن یک دوره رکود و گسست بیست ساله ایفا کرد .

۱۶- تا اواخر دهه ۴۰ بر زمینه اصلاحات ارضی و تفوق مناسبات سرمایه داری ، جنبش کارگری با وجود دیکتاتوری شاه مبارزات چندی را از سر گذرانده و در برخی موارد به دستاوردهایی نیز رسید .

۱۷- در نتیجه رشد سرمایه داری و رفرمهای از بالای دولت در دهه چهل و سرازیر شدن میلیونها دهقان بسمت شهر ها و وارد شدن بخش زیادی از آنها در مشاغل کارگری مزید بر علت شد تا روحیات خرده بورژوازی سنتی و نگرشهای غیر ماتریالیستی و غیر طبقاتی در میان کارگران زمینه رشد یابند . طبقه کارگر نه تنها آماج جهانبینی غیر مارکسیستی توسط احزاب اپورتونیست بود ، بلکه اندیشه های مذهبی و روحیات دیر پای دهقانی با تمام عواقب خود بوسیله خیل دهقانان تازه پرولتر شده بدرون طبقه کارگر سرازیر شد و موانع زیادی در ارتقا آگاهی طبقاتی کارگران بوجود آورد .

۱۸- بروز اختلاف در جنبش جهانی کمونیستی ، اختلاف بین چین و شوروی ، ناتوانی احزاب وابسته به قطب های اردوگاهی در پاسخ به مسائلی که به همراه رشد شتابان سرمایه داری در دهه ۴۰ مطرح کرده بود ، گسترش صنایع و به تبع آن افزایش کمیت طبقه کارگر ، حل شدن برخی مسائلی که قبل از سلطه نظام سرمایه داری مطرح بودند ، همه و همه آن زمینه های عینی بودند که هم انشعابات متعدد را در احزاب قدیمی بوجود آورند و هم به شکلگیری احزاب و سازمان های جدید زمینه و میدان دادند .

۱۹- تشکیل سازمانهای نظیر چریک های فدائی خلق ایران و سایر گروه ها و احزاب مشابه در پاسخ به این نیازها بود که با رشد و گسترش شتابان نظام سرمایه داری ضرورت عینی یافته بودند . سازمان فدائی با وجودیکه در پاسخ به نیاز جنبش طبقاتی و با هدف سوسیالیسم تاسیس شد و طی هشت سال مبارزه خونین از پشتیبانی طبقه کارگر و توده های مردم برخوردار گردید، اما بدلایل مختلف از جمله ساختار عینی اجتماعی و سطح تکامل جامعه ، وجود دیکتاتوری ، ترکیب عمدتا روشنفکری و فقدان برنامه ای پرولتری و عملا به محل تجمع عناصر گوناگون اجتماعی با اهداف و چشم اندازهای متفاوت و مبهم تبدیل شد . که تنها در شرایط رکود مبارزه طبقاتی میتوانست به حیات خود در چنین ساختار و اهدافی عموم خلقی ادامه دهد .

۲۰- تشدید مبارزه طبقاتی و دریده شدن پوسته های پوپولیستی در جریان قیام و بعد از آن و انعکاس مبارزه طبقاتی در احزاب و جریانات سیاسی، سازمان فدائی را نیز به اجزای تشکیل دهنده خود تقسیم کرد و جنبش کمونیستی که امکان پیوند ارگاتیک با طبقه کارگر و تشکیل حزب را بدست آورده بود اما در اختلافات خود گرفتار شد . بخشی از آن در حمایت از حاکمیت موجود کاملا موضع طبقاتی و انقلابی را ترک کردند. بخشی از این سازمان ها در حالت پراکنده ، مورد تعرض و سرکوب رژیم قرار گرفته و با عقب نشینی های مداوم و انشعابات متعدد عمدتا در خارج از کشور به حیات خود ادامه می دهند .

۲۱- بعد از فرو نشستن گرد و خاک ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی ، کمونیسم انتقادی در سطح جهان بشکفتن آغاز کرده است و بار دیگر شبح

کمونیسم ، کمونیسمی که از شکست و پیروزیهای خود درس فراوان گرفته است ، خواب از چشمان سرمایه داری ربوده است . این کمونیسم در کشور ما نیز با نقد گذشته خود به دوران شکوفائی قدم میگذارد ، عناصر آن در میان پیشروان جنبش کارگری و فعالین جنبش کمونیستی صرف نظر از تعلقات تشکیلاتی شکل می گیرد . پیوند اجزا و عناصر این نهضت فکری و گسترش آن بویژه در درون جنبش کارگری ، زمینه وحدت جنبش کمونیستی و حزب کمونیست انقلابی را اجتناب ناپذیر می سازد .

فصل هفتم

ترکیب طبقاتی جامعه بعد از قیام بهمن ۵۷

بعد از قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ تحولات مهمی در ساختار طبقاتی جامعه ایران پدیدار شد.

سقوط موقت بورژوازی بزرگ معروف به (کمپرادور) از قدرت سیاسی ، قدرت یابی بورژوازی تجاری و متوسط انطباق چهارچوب مذهبی سیاسی بر روند نظام سرمایه داری ایران ، عواملی نظیر قطع رابطه با آمریکا ، استقلال سیاسی ، جنگ هشت ساله ، گسترش بازارهای آسیای میانه بر روی صادرات ایران ، گسترش صنایع داخلی و صادرات تولیدات کشاورزی و صنعتی ، ایجاد کارگاههای کوچک در سطح وسیع برای پاسخگویی به نیازهای جنگ و راه اندازی صنایع مکمل جنگ ، موقعیت بورژوازی را تحکیم و ادامه روندی را که از دوران رضاخان و با تمرکز قدرت در نظام سلطنتی وی آغاز شده بود با تمرکز قدرت در دستگاه دولتی مذهبی متکی به ولایت فقیه به تکامل خود ادامه داد.

طی ده ساله گذشته از جمله در جریان برنامه های ۵ ساله رفسنجانی و سیاست خصوصی سازی وی برای رشد بورژوازی متوسط امکانات بیشتری بوجود آمد .

گسترش دانشگاهها و مدارس عالی واگذاری بازسازی صنایع و کشاورزی مدرنیزه بر عهده تکنوکراتها و فارغ التحصیلان دانشگاهها ، قشر وسیعی از تکنوکراتها و مدیران و گردانندگان صنایع و شرکتهای خصوصی شده و یا در حال بازسازی و راه اندازی را پدیدار کرد . این امر نه تنها بر دامنه قدرت اقتصادی بلکه بر پایگاه طبقاتی و قدرت سیاسی بورژوازی متوسط افزود که در اتحاد با بورژوازی بزرگ صنعتی و تجارتي و بازرگانی مدرن ، خواستار رفرمهایی در ساختار اقتصادی و سیاسی در انطباق با روند جهانی تر شدن سرمایه و نیاز های مشارکت و مساعدت سرمایه جهانی در روند تحول اقتصادی ایران برون رفت آن از بحران هستند .

کشاورزی

قبل از انقلاب زمینه رشد بورژوازی در روستا بوسیله رفرمهای شاه و تمرکز زمینها در شرکت های زراعی و کشت و صنعت بوجود آمده بود که در ساختار و ترکیب طبقاتی ، روستا و خواستهای آنها تحولات مهمی را پدید آورده بود . این روند بعد از انقلاب با هجوم دهقانان بر زمینهای بزرگ و بقایای فنودالیسم و بعدها اصلاحات ارضی رژیم بر زمینه جنبشهای دهقانی به خرده مالکی امکان رشد داد، در نتیجه رشد صنعت و بکارگیری مدام آن در کشاورزی و ناتوانی اداره زمین ها توسط خرده مالکین و عدم بازدهی آنها ، باعث شد تا بخش زیادی از خرده مالکین که در جریان انقلاب و بعد از آن صاحب زمین شده بودند ، زمینهای خود را به

مالکین بزرگتر ، بعبارت دیگر به بورژوازی ده واگذار کرده خود راهی شهر ها برای یافتن کار شوند . اداره این زمینها و زمینهای بزرگ زراعی (کشت و صنعتها ، تعاونی ها و شرکتهای عمران زراعی) با شیوه سرمایه داری در کنار گسترش بورژوازی روستا به گسترش سرمایه داری منجر شده و بدین ترتیب تضاد کار و سرمایه در پهنه روستایی هم به تضادی عمده تبدیل می گردد .

خرده بورژوازی

خرده بورژوازی ایران مثل هر کشور سرمایه داری در حال رشد دیگر ، اقشار وسیعی را تشکیل می دهند . نقش خرده بورژوازی در جریان قیام بهمن ماه ، بکار گرفته شدن وی در دستگاه متمرکز دولتی مبتنی بر ولایت فقیه و رشد عظیم بورکراسی ، خدمات ، آموزشگاهها و نقش مهم این نیروی اجتماعی در تحولات سیاسی و اقتصادی را روشن می نماید .

با رشد تکنولوژی و صنعت و انقلاب عظیم در ابزارهای تولید جریان وسیع خرده بورژوازی را از خود متاثر کرده بخش مهمی از آنها را به مواضع پرولتاریا نزدیک می کند . در عین حال طیف های گوناگونی از اقشار مرفه آن در برابر خواستها و مطالبات رادیکال ایستادگی می کنند .

اقشار پائینی خرده بورژوازی که نیروی بزرگی را تشکیل می دهند در برابر اختناق و فشارهای اقتصادی سرمایه داری با حاکمیت جمهوری

اسلامی در تضاد قرار می‌گیرند و به سمت مبارزه علیه سرمایه کشیده می‌شوند. در حالیکه اقشار لومپن پرولتاریا بر زمینه وضعیت ناپایدار اقتصادی خود و بر زمینه‌های باورهای مذهبی، هنوز مستعد قرار گرفتن در خدمت ارتجاع و نیروهای سرکوبگر سرمایه علیه جنبش کارگری هستند.

طبقه کارگر

کارگران ایران با استفاده از موقعیت خود و اعتبار ناشی از نقش تعیین‌کنندگی در پیروزی قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ با تشکیل شوراهای و کنترل تولید، خواستار تداوم انقلاب تا تحقق آماجهای آن در زمینه‌های آزادی و عدالت اجتماعی شدند. مبارزات درخشان طبقه کارگر در این دوره در پرتو آزادیهای بدست آمده و فعالیت مستمر احزاب و گروه‌های مدافع منافع طبقه کارگر، به رشد افکار سوسیالیستی و ارتقا آگاهی طبقاتی کارگران کیفیت نوینی بخشید. اما دسیسه‌های بورژوازی داخلی و جهانی آنچنان فرصتی برای طبقه کارگر باقی نگذاشت تا این آگاهی را تا ایجاد تشکلهای مستقل صنفی و سیاسی خود تکامل داده و خویشتن را در مقابل بورژوازی که با دستاویز قرار دادن مذهب توده‌های مردم و بخش مهمی از طبقه کارگر را بدنبال خود کشید، صف واحد خود را تشکیل دهد. سرانجام بورژوازی ایران در اتحاد با اقشار خرده بورژوازی، طبقه کارگر و

سازمان های صنفی و سیاسی تازه پای آنرا مورد هجوم قرار دادند . با آغاز جنگ ایران و عراق و از هم پاشی شیرازه صنایع مهم در مناطق جنگزده ، مبارزات کارگران هر چند ادامه یافت اما بخشی از آن زیر شعارهای ناسیونالیستی و میهن پرستانه قرار گرفته و روانه جبهه ها شدند و بخشی دیگر بدلیل پراکندگی و آوارگی انسجام و توانایی قبلی خود را از دست دادند ، صناعی نظیر پالایشگاه های نفت ، صنایع پتروشیمی و توابع آن بنادر و مراکز دیگر کارگری با تجربه و تاثیر گذار در جنبش طبقه کارگر که طراح خواسته های رادیکال آن در دوران قیام بودند ، از هم پاشید و به مناطق مختلف کشور انتقال یافتند و یا به مشاغل دیگر گمارده شدند . از طرفی همزمان با تامین نیازهای ماشین جنگی رژیم ، صنایع کوچک از قبیل ماشین سازی ، فلز کاری حمل و نقل و غیره رشد یافتند . با رشد تولیدات داخلی به تعداد کارگران افزوده شد . و هم اکنون میلیونها نفر در کارگاههای بزرگ و کوچک و در بخش کشاورزی ، معادن و خدمات مشغول کار هستند . و با پایان جنگ آغاز دوران فعالیت صنایع نفت و پتروشیمی و غیره به کمیت و کیفیت طبقه کارگر افزوده شد .

از لحاظ کیفی نیز طبقه کارگر ایران طی بیست سال به یکی از پر جوش ترین دوره های خود پا گذاشته است ، طی ده سال اخیر دهها اعتصاب ، تظاهرات ، تحصن علیه نظام سرمایه داری و دولت حاکم صورت گرفته است .

علاوه بر آن هر چند که کارگران ایران از لحاظ سطح آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی در حد پائین قرار دارند و بخش بسیار مهمی از آنها هنوز در چنبره باورهای مذهبی و سنتهای ارتجاعی چندین هزار ساله گرفتارند ، اما

کارگران ایران در مقایسه با دوران قبل از قیام چه از لحاظ سطح آموزش و چه از لحاظ سطح آگاهی از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار شده اند . در پرتو رشد انقلاب علمی ، فنی رشد تکنیک ، صنعت ، کامپیوتر که همزمان در صنایع ایران نیز در حد گسترده ای بکار گرفته می شوند و با توجه به روند جهانی شدن سرمایه باید هم بکار گرفته شوند . (رجوع کنید به آمارها) اگر در گذشته پروسه شناخت و آگاهی در درون طبقه کارگر روندی اتفاقی می بود، امروزه به علت رشد سطح علمی و درجه آگاهی بخشی از طبقه کارگر به امری طبیعی تبدیل می شود . بدینترتیب اگر وجه مشخصه کارگران ایران در دهه ۵۰ سطح پایین آگاهی ، بیسوادی و وابستگی به روستا ها و سنت ها و فرهنگ روستایی ، فقدان تجربه مبارزاتی ، بوده ، اما در دهه هشتاد و در آغاز سده بیست و یکم دستاوردهای علمی و فنی شرایطی را فراهم آورده که مثل تمام دنیا در ایران نیز طبقه کارگر از سطح آموزشی بالایی نسبت به دهه ۵۰ بر خوردار شده و خواستها و مطالبات آن همزمان با خواستها و مطالبات پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری از سطح بالایی بر خوردار شده است .

در این فرایند تفاوت‌هایی نیز پدید آمده است و برجسته ترین آنها اختلاف دستمزد ها ، اختلاف سطح آموزش ، نقش و دخالت در فرایند تولید و در نهایت موقعیت اجتماعی متفاوتی است که بخشی از طبقه کارگر در نتیجه ناتوانی در رقابت و سطح پایین آموزش ، مشاغل و موقعیت های خود را از دست می دهند و در صف خیل عظیم کارگران بیکار که هم اکنون میلیونها نفر را شامل میشوند ، قرار می گیرند .

بیکار

تداوم بحران اقتصادی ، پایین آمدن سطح منابع در آمد مالی دولت ، سیاست تعدیل اقتصادی که با کاهش نیروی کار و خصوصی سازی توأم است از یک سو و افزایش مدام جمعیت کشور از سوی دیگر میلیونها کارگر را بیکار کرده و میلیونها جوان جویای کار را در صف بیکاران جای داده است بطوریکه هم اکنون وجود بیش از ده میلیون بیکار شده و جویای کار به یک مشکل لاینحل در ایران تبدیل شده است . با توجه باینکه دولت با وجود اعمال سیاست سرکوب قادر به جابجایی و ایجاد شغل متناسب با سطح افزایش جمعیت نیست ، پیوند مبارزات بیکاران و خواسته های آنان روزبروز با خواستها و منافع عمومی صنفی و سیاسی کارگران شاغل گره خورده و منبع عظیم و نیروی بلفعل مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی را تشکیل می دهند .

ترکیب ملی و فرهنگی

ایران کشوریست کثیر الملله و طبقه کارگر و زحمتکشان ملیتهای مختلف مشترکاً در زنجیر اسارت سرمایه داری و ارتجاع حاکم بر سرنوشتشان بسر می برند و دارای خواستهای طبقاتی مشترکی هستند و بر علیه نظام اقتصادی اجتماعی و سیاسی حاکم مبارزه می کنند . در نتیجه سیاست

طبقات ارتجاعی حاکم بر این ملیتها ، کارگران و زحمتکشان ، یعنی اکثریت محروم مردم در چهار گوشه ایران علاوه بر تحمل استثمار و بی حقوقی ، از ستم ملی و فرهنگی نیز رنج میبرند و برای رفع آن مبارزه میکنند .

مذهب

بعلاوه مذهب بعنوان یکی از پایه های اعتقادی مردم ایران در طول سالیان متمادی ، در اسارت و مبارزه این ملتها نقش بازی کرده و از ویژگیهای مهم ساختار اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ، اشکال و مراحل تکامل جامعه ایران محسوب می گردد .

اقشار و طبقات حاکم در گذشته و سرمایه داری مدرن ایران در دهه های اخیر ، همیشه از مذهب ، گونه گونی فرهنگها ، ملیتها و آداب و رسوم و نیز ناسیونالیسم و شونیسم به نفع خود و برای مشروعیت دادن به تمرکز قدرت ، استبداد ، دیکتاتوری ، فریب و تشدید ستم و استثمار و سرکوب ، جنبش طبقه کارگر و اکثریت محروم جامعه استفاده کرده اند و تجربه بیست سال حکومت مذهبی ، جدائی مذهب از دولت را به یکی از خواست های مبرم مردم تبدیل کرده است .

فصل هشتم

برنامه سیاسی

نظام سرمایه داری در ایران ، زیر سلطه دیکتاتوری ، اختناق ، تبعیض ، زندان و جوخه های اعدام تکامل یافته است . بورژوازی ایران که زیر حکومت متمرکز و سرکوبگرانه شاه ، از هر گونه تشکل های کارگری ، توده ای و حضور احزاب و جریانات مترقی جلوگیری کرده بود ، خود زمینه ساز حاکمیت جمهوری اسلامی و سیاه ترین استبداد دینی بر مقدرات مردم گردید .

با شکست انقلاب توده ای ۱۳۵۷ و با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ، یکی از ارتجاعی ترین روبنای سیاسی نظام سرمایه داری در تلفیق با مذهب ، حاکم به مقدرات مردم گردید . رژیم جمهوری اسلامی از همان اول آشکارا با آزادی ، مدنیت و دموکراسی به دشمنی برخاست و نزدیک به بیست سال سیاست ، سرکوب ، زندان ، شکنجه ، اعدام و نفی ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی ، تبعیض و آپارتاید جنسی را برنامه خود کرد .

در ایران اقلیتی محدود از جامعه ، یعنی سرمایه داران با فراغ بال به تشدید استثمار ، احتکار ، زدوبند با مقامات دولتی و اختلاص به ثروت خود افزودند . از سوی دیگر اکثریت عظیم مردم در محرومیت بسر برده و

خواست آنها برای آزادی و عدالت اجتماعی و برابری با سرکوب نیروهای دولتی مواجه شده است .

تسلط بلامنزاع طبقه سرمایه دار بر تمامی وسایل و امکانات تولیدی و مبادله ، اعم از اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ، ایدئولوژیک و نظامی ، مانع بزرگ دخالت مستمر و آزادانه توده های عظیم کارگر و زحمتکش و سازندگی واقعی جامعه بر سرنوشت خویش است .

هر کارگر و زحمتکش ایران در زندگی روزمره خود وقتی ناگزیر می گردد از حقوق و سطح معیشت خود در مقابل تعرض مداوم استثمارگران دفاع کند، به آشکارترین وجهی خود را در مقابل دستگاه جبر و ستم و سرکوبی میابد که به ایدئولوژی اسلامی نیز ملبس شده است و در میابد که در نظام سرمایه داری ایران ، دستگاه دولت و تمام ضمام آن ارگان سیادت و عامل بقا و بازتولید نظم موجودند .

بررسی اوضاع اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و تاریخی ایران و روند تکامل نظام سرمایه داری و اشکال مختلف سیادت سیاسی آن نشان می دهد که نظام سرمایه داری در ایران هر شکل سیاسی ای که بخود بگیرد ، قادر به حل معضلات جامعه در جهت آزادی ، عدالت اجتماعی و رشد و شکوفایی انسانها نیست .

ایران به یک تحول اساسی در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی نیازمند است که تنها از طریق یک انقلاب اجتماعی بر علیه سیادت سیاسی و اقتصادی اقلیت محدود جامعه ممکن و قابل تحقق است .

اولین گام در این راه ، سرنگونی جمهوری اسلامی ، انهدام ماشین دولتی و دستگاههای مقتدر اداری و نظامی بورژوازی و برقراری نظامی فدراتیو و شورانیست که در آن اکثریت مردم از فرهنگها و ملیتهای مختلف برای اولین بار به دخالت در زندگانی خود می پردازند و برای ساختن آگاهانه جامعه ای که در آن از استثمار انسان بوسیله انسان ، از تبعیض جنسی و نژادی ، از سرکوب ، زندان ، شکنجه ، اعدام و از بیکاری ، بی مسکنی ، فقر و تبعیض جنسی ، از انهدام محیط زیست و... خبری نباشد، اقدام می کنند .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ، واژگونی جمهوری اسلامی بمثابه برجسته ترین تکیه گاه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و سر سخت ترین دشمن آزادی طبقه کارگر و جایگزینی آن توسط جمهوری فدراتیو شورایی را وظیفه عاجل خود می داند .

جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، اجتماع آزاد . سوسیالیستی کلیه کارگران و زحمتکشان ایران است و تمامی قدرت در آن به مردم متشکل در شوراهای شهر و روستا تعلق دارد .

در جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، مرجعیت با اکثریت مردم یعنی کارگران و زحمتکشان است . دولت شورایی تجلی عینی اراده آنان محسوب می شود .

با انحلال نهاد های بوروکراتیک و نظامی بورژوازی ، شوراها بعنوان مراجع قانونگذاری و اجرایی هر دو عمل می کنند و در آن نمایندگان توسط انتخاب کنندگان قابل عزل خواهند بود .

جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، دیکتاتوری پرولتاریای شهر وروستاست که برای امحای سرمایه داری ، لغو مالکیت خصوصی بورژوایی بر ابزار تولید و مبادله ، محو استثمار انسان توسط انسان و استقرار سوسیالیسم که در آن رفاه ، آزادی و برابری حق طبیعی و غیر قابل انکار هر انسان است و در چهارچوب آن وسیع ترین آزادیهای سیاسی و عقیده و بیان برسمیت شناخته می شوند ، تلاش می کنند .

بالاترین مرجع قدرت در جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، کنگره سراسری نمایندگان شوراهای سراسری کشور است و در فواصل بین کنگره ها کمیته اجرایی مرکزی سراسر ایران خواهد بود .

در قانون اساسی جمهوری فدراتیو شورایی ایران

موارد زیر تضمین می شود

آزادیا

۱- برسمیت شناختن آزادی عقیده ، بیان ، مطبوعات ، تشکل ، اعتصابات ، تظاهرات .

سوسیالیسم و آزادی از هم جدایی ناپذیرند ، مردم تنها درشرایط برخورداری از آزادی قادر به ارتقای سطح آگاهی خود می شوند . محرومیت از این آزادیها مهمترین مانع رشد و تکامل انسان و در نتیجه

شکوفایی سوسیالیسم است که تضمین گر واقعی آزادی انسان از هر گونه اجبار در تعیین سرنوشت خویش است .

۲- برای تأمین واقعی و راستین آزادی عقیده ، مذهب از دولت و آموزش و پرورش از مذهب جدا می شود و آزادی تبلیغ مذهبی و ضد مذهبی برای کلیه شهروندان به رسمیت شناخته می شود .

مطبوعات تنها از طریق آزادی بی قید و شرط انتقاد از شرایط قانونی قادرند در تکامل ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه مشارکت نموده و به ارتقای سطح آگاهی مردم و تکامل نظام اقتصادی و اجتماعی یاری رسانند .

برای تأمین راستین آزادی بیان ، قلم ، مطبوعات ، وابستگی هرگونه طبع و نشر آثار به سرمایه از میان برداشته می شوند . تمامی ملزومات مالی و فنی چاپ و انتشار کتب ، روزنامه ها ، جزوات و همه گونه وسایل و امکانات ارتباط جمعی و شبکه های مدرن ارتباط گیری و دسترسی به منابع اخبار ، مراکز تحقیق و غیره در اختیار شوراها و تشکل های مربوطه قرار می گیرند ، نشر بلامانع و بدون سانسور و بی قید و شرط تضمین می شود .

برای تضمین واقعی آزادی اجتماعات ، تظاهرات ، جلسات ، اعتصابات ، هرگونه موانع مادی و معنوی که نظام سرمایه داری در برابر آزادی اعتراض مردمی ایجاد و یا در ذهن و فرهنگ مردم نهادی کرده است از میان میرود . ساختمانها و محل های مناسب و مجهز به کلیه وسایل ارتباط جمعی ، روشنایی و وسایل تأمین گرما و خنک کننده ، رایگان در اختیار

تجمعات قرار می‌گیرد تا مردم اعتراض و خواسته‌ها و نظرات خود را آزادانه بیان کنند و به اطلاع همگان برسانند ...

بمنظور آزادی واقعی تشکل و حزب ، جمهوری شورایی که حاکمیت طبقات دارا را در هم شکسته و کلیه موانعی را که در جامعه سرمایه داری ، کارگران و زحمتکشان را از آزادی بی قید و شرط تشکل و حزب محروم می‌کرد از میان بر میدارد و آنها را برای متشکل شدن در تشکلهای مستقل خویش بلحاظ مادی و معنوی یاری می‌رساند .

حق رأی مستقیم ، مخفی و برابر برای تمامی شهروندان که به سن ۱۷ سال رسیده باشند و حق هر فرد انتخاب کننده برای انتخاب شدن در شوراهای وسایر مجامع و ارگانها .

علنی بودن محاکمات با شرکت هیات منصفه و انتخابی بودن قضات .

حق هر فرد برای تعقیب قانونی مقامات .

ممنوعیت کامل دخالت در زندگی خصوصی افراد ، مصنوعیت فرد و محل زندگی او از هر گونه تعرض ، ممنوعیت تفتیش در مراسلات ، مکاتبات . جاسوسی .

حق انتخاب شغل ، محل سکونت ، آزادی مسافرت .

ممنوعیت شکنجه و لغو حکم اعدام .

جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، تساوی حقوق کلیه شهر وندان را صرف نظر از نژاد ، ملیت ، مذهب ، عقیده ، جنسیت ، زبان و غیره در تمامی زمینه ها برسمیت می‌شناسد و با هر گونه امتیاز ، برتری و ستم به اقلیت های ملی ، فرهنگی و ... مبارزه می‌کند و مبارزه با مردسالاری ، زن

ستیزی و باورهای ارتجاعی مذهبی و سنتی بویژه در مورد تعرض به حقوق و برابری زنان را وظیفه خود می‌داند .

در جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، آزادی انتخاب رفیق زندگی (همسر یا همزی) و ازدواج از سن ۱۸ سال آزاد و در تمامی امور برابری زن و مرد تأمین و تضمین می‌شود .

حق کار

در سوسیالیسم کلیه نیروهای مولد ، اجتماعی می‌شوند . کار نیز از این امر مستثنی نیست . و در جمهوری فدراتیو شورایی ایران همه شهروندان از حق کار برخوردارند و کار یک وظیفه شهروندی محسوب می‌گردد . بیکاری در آن مفهومی ندارد و شش ساعت کار در روز ، دو روز متوالی تعطیل در هفته و هفت هفته مرخصی سالانه جزو اولیه ترین مفاد قانون کار است که شامل همه شهروندان قادر به کار به استثنای کودکان زیر ۱۷ سال در شهر و روستاست مگر کار در حین تحصیل جنبه آموزشی داشته باشد .

در جمهوری فدراتیو شورایی ، تأمین بهداشت و ایمنی محیط کار ، ایجاد سائن های سخنرانی ، تأثر ، کتابخانه ، محل استراحت ، ورزش ، مطالعه و حمام و غیره تضمین میشود . قوانین کار و جزئیات آن توسط شوراهای خود کارگران و زحمتکشان متناسب با محیط کار و شرایط کار تدوین می‌گردد .

مهاجرین و سایر خارجیان ساکن جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، همچون دیگر شهروندان از حقوق کامل شهروندی بر خوردارند و حق اشتغال به کار بدون استخدام کار دیگران ، برای آنها تضمین می شود .
شوراهای محلی بدون هیچگونه تشریفاتى به اینگونه خارجیان حقوق شهروندی و برابر اعطا می کنند .
در جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، به کلیه پناهجویانی که بخاطر جرایم سیاسی ، مذهبی ، عقیدتی ، مورد آزار و اذیت قرار گرفته و در خواست پناهندگی می کنند ، پناهندگی اعطا کرده و حقوق کامل شهروندی آنها را برسمیت می شناسد .

تحصیل

بمنظور تأمین و تضمین ارتقای سطح دانش کارگران و زحمتکشان ، جوانان ، مالکیت خصوصی و روابط و مناسبات ناشی از آن از سیستم آموزش و پرورش برچیده می شوند و با دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی کشور بر مبنای آخرین دستاوردهای علمی و فنی در زمینه آموزش و پرورش ، امکانات تحصیلات رایگان و همه جانبه برای کلیه شهروندان تضمین می شود .

بهداشت و درمان

با لغو مالکیت خصوصی بر بهداشت و درمان ، امتیازات طبقاتی در استفاده از امکانات بهداشتی کشور از میان خواهد رفت و بهداشت و درمان برای همه رایگان خواهد بود . درمانگاهها ، بیمارستانها ، مراکز بهداشتی . درمانی و آموزشی ، مکانهای ورزشی و تفریحی متناسب با نیازهای مردم گسترش خواهند یافت .

ایجاد اماکن و موسسات نگهداری از سالمندان ، معلولین و کسانی که به دلایل نقص عضو و از دست دادن سلامتی قادر به کار نیستند ، ایجاد مراکز سرگرمی و تفریح برای سالمندان رایگان خواهد بود .

مسکن

داشتن مسکن مناسب حق هر انسانی است . جمهوری شورایی ایجاد مسکن مناسب مدرن و مجهز برای کلیه شهروندان را هدف فوری خود قرار می دهد و با قطع سلطه سرمایه داران ، محتکرین و دلالان از امور مسکن و کار و زندگی مردم ، امکان دسترسی همه شهروندان به مسکن مناسب را تضمین می کند .

امور اقتصادی و مالکیت

جمهوری فدراتیو شورایی ، آغاز جامعه به ساختمان سوسیالیسم است ، در سوسیالیسم مالکیت خصوصی بورژوازی بر ابزار تولید و مبادله اجتماعی می شوند . اقتصاد از طریق تولیدکنندگان آزاد و متشکل سازمان می یابد . با وجود اینکه مالکیت ابزار تولید و مبادله به مالکیت اجتماعی در میاید . اما این امر یک شبه صورت نمی گیرد ، دوران ساختمان سوسیالیسم سرشار از تحولات و پیشرویها و عقب نشینی هاست . در جمهوری شورایی با توجه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران و با در نظر گرفتن شرایط و مناسبات حاکم ، از سلب مالکیت کنندگان سلب مالکیت می شود و در اختیار صاحبان واقعی ، یعنی تولیدکنندگان متشکل در شوراها و نهادهای مردمی قرار می گیرد .

در جمهوری فدراتیو شورایی که بر ویرانه های جامعه سرمایه داری بنا می شود کلیه موسسات مذهبی ، دولتی ، شرکتها . صنایع و کارخانات ، کارتل ها و تراست ها و کلیه وسایل تولید و مبادله در دست اشخاص حقیقی و حقوقی را به صاحبان واقعی آنها یعنی تولید کنندگان آزاد متحد و متشکل موسسات باز می گردد و سلطه سرمایه داران و دلالان و محتکرین بر می افتد .

در جمهوری فدراتیو شورایی گذران از طریق بهره ، ربا و نظایر اینها ممنوع و جرم محسوب می گردد و هر شخص قادر به کار که کار نکند نمیخورد .

کشاورزی

بهسازی روستاها بر اساس موقعیت جغرافیایی و تأمین آب ، جاده ، وسایل ، ابزار و امکانات مدرن و پیشرفته تأمین امکانات آموزشی ، بهداشتی و رفاهی و استحکام آنها در برابر حوادث طبیعی .

تلاش برای از میان بردن فاصله شهر و ده از طریق رشد آگاهی ، گسترش امکانات پیشرفته تکنولوژیک ، صنعتی و اطلاعاتی ، ارتقای سطح آموزش و زندگی مردم .

سپرده شدن موسسات کشاورزی به کارگران و کارکنان اداره کننده این موسسات ، یعنی اجتماعی کردن کشاورزی بر اساس برآورد و تصمیم شوراهای مناطق .

کنترل و اداره جنگلها ، منابع ، آبها ، معادن ، مراتع توسط شوراهای متحد تولید کنندگان و سازماندهی و تعیین ضوابط ، روابط و مناسبات و مبادلات بر حسب قوانین و نیازهای زمان که توسط مجامع تولید کنندگان و شوراهای نمایندگان تصمیم گیری می شوند .

ایجاد مراکز تفریح ، تحصیل ، ورزش و مراکز هنری ، مهد کودک و کلیه امکاناتی که به رشد و ارتقای فرهنگ و سطح زندگی و شکوفایی شاغلین در امور کشاورزی و ساکنین در روستاها یاری رساند .

درباره ملل و مناطق و فرهنگهای مختلف

سوسیالیسم یک زندگی جهانی را برسمیت می‌شناسد که در آن مرزها مفهومی ندارند .

ما خواهان به هم پیوستن همه ملتها به عنوان جامعه بشری هستیم ، اما نه از طریق زور و اجبار ، بلکه بر بنیان انتخاب آزاد .

جمهوری فدراتیو شورایی ایران که خود از اتحاد داوطلبانه کارگران و زحمتکشان مناطق ، ملیتها و فرهنگهای مختلف تشکیل می شود ، حق تعیین سرنوشت ملل را تا جدایی کامل برسمیت می شناسد .

محیط زیست

در جامعه ای که سود جویی ، ثروت اندوزی فردی و رقابت ، مبانی فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می دهد طبیعی است که از منابع طبیعی غیر قابل جایگزینی بشکل بی رویه بهره برداری می شود و محیط زیست تابع مطامع سرمایه داران و ثروت اندوزان می شود .

نابودی محیط زیست ضایعه ایست که سرمایه داری به ارمغان آورده است . سوسیالیسم به آینده بشریت و سعادت نسل‌های آینده نظر دارد . با اجتماعی شدن تولید و مبادله ، امکان سازماندهی تولید با کمترین ضایعات زیست محیطی بوجود می آید .

تولید به شیوه ای که کمترین آسیب را به محیط زیست برساند ، یکی از جنبه های تولید سوسیالیستی است و کوشش برای حفظ محیط زیست و تغییر شیوه های تولید سازگاری آن با محیط زیست از اهداف تکامل اقتصادی و اجتماعی در جمهوری فدراتیو شورایی جدایی ناپذیر است .

فدانیان کمونیست همه کارگران و زحمتکشان و احزاب و سازمانها و گروه ها و محافل و شخصیت های سوسیالیست و انقلابی را جهت تحقق اهداف و برنامه فوق به اتحاد و اتفاق فرا می خواند و از هر جنبشی که در راستای تحقق آن مبارزه کند ، پشتیبانی می کند .

فصل نهم

استراتژی اتحاد های طبقاتی

الف : برنامه پیشنهادی برای جبهه فراگیر طرفداران آزادی و تأمین

حقوق فردی و اجتماعی

ما برنامه و مطالبات فوری زیر را برای اتحاد فراگیر همه طرفداران آزادی ، دموکراسی و عدالت ، پیشنهاد می کنیم و همه افراد ، احزاب ، شخصیت ها و محافل دموکرات و مترقی و آزادیخواه و انساندوست را علیرغم اختلافات برنامه ای و مسلکی و عقیدتی به اتحاد های موقت و پایدار ، برای تحقق آنها فرا می خوانیم .

در زمینه حقوق و آزادیهای سیاسی

آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و بازگشت تبعیدیان

برچیدن کلیه تشکلات و نهادهای وابسته به دولت در کارخانجات ، روستاها ، محلات ، نظیر شوراهای اسلامی کار، انجمنها ، محافل و ارگانهای سرکوب ، جاسوسی و نفاق .

آزادی بی قید و شرط اندیشه و بیان ، به این مفهوم که هیچکس نباید به دلیل بیان عقایدش مورد تعقیب و آزار قرار گیرد .

آزادی تظاهرات اعتصابات و اجتماعات
ممنوعیت کامل تفتیش عقاید ، شکنجه و اعدام .
آزادی بی قید و شرط ، مطبوعات ، احزاب ، سازمانها ، اتحادیه ها ،
سندیکاها ، شوراها ، انجمن ها و سایر مجامع .
جدایی دین از دولت و مدارس و لغو امتیازات مذهبی .
تساوی کامل حقوق افراد کشور از هر جنس ، نژاد و ملیت مذهب و زبان .
برسمیت شناخته شدن حق اقلیت ها و ملیت های ساکن ایران در
برخورداری از کلیه حقوق سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی .
برسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش تا جدایی کامل .
برسمیت شناخته شدن حقوق شهروندی برای کلیه پناهندگان و مهاجرین .

در زمینه رفاه عمومی

ممنوعیت کار اطفال کمتر از ۱۸ سال .
برقراری بیمه های اجتماعی برای کلیه شهروندان .
پرداخت حقوق و دستمزد ایام تعطیلات و مرخصی .
مبارزه جهت تحقق خواسته های آموزگاران ، استادان ، دانشمندان ،
هنرمندان و نویسندگان .
پرداخت هزینه متوسط زندگی و تحصیل برای فرزندان اضافه بر دو نفر تا
رسیدن به سن ۱۸ سالگی .
حمایت قانونی از اطفال بی سرپرست .

برخوررداری کودکان از تغذیه و خدمات بهداشتی رایگان .
حق استفاده از مهد کودک و شیرخوارگاه برای نگهداری از کودکان در
ساعات اشتغال.

تامین وسایل ورزش ، تفریح و محل بازی برای کودکان و نوجوانان .
مبارزه برای تعدیل اجاره مسکن و پرداخت مابه التفاوت درآمد و هزینه
واقعی مسکن برای افراد کم درآمد .

مبارزه برای تهیه مسکن مناسب برای همه و تامین نیازهای اولیه زندگی
از قبیل آب آشامیدنی ، برق ، خوراک و پوشاک .

مبارزه برای دسترسی به نیازهای اولیه اجتماعی از قبیل خدمات بهداشتی
و درمانی ، مراکز آموزشی و ایاب و ذهاب برای تمام ساکنین کشور .

مبارزه برای تامین کار برای کلیه افرادی که توانایی کار دارند و ایجاد
امکان بالا بردن کیفیت کار و رشد و پیشرفت افراد در مشاغل مورد علاقه
شان .

مبارزه با آلودگی محیط زیست و تلاش برای ایجاد محیط زیست انسانی ،
سالم و ارضا کننده و تامین امکان دخالت افراد بر تصمیماتی که بر شکل
زندگی آنها تأثیر می گذارد.

مبارزه برای تحقق حقوق زنان

برابری کامل حقوق زنان با مردان در انجام کار مساوی .

مرخصی با پرداخت حقوق کامل برای زنان باردار در مدت چهار ماه قبل و هشت ماه بعد از وضع حمل .
مبارزه برای رهایی زنان از قیود ارتجاعی و رفع هرگونه تبعیض میان زن و مرد و مبارزه با مرد سالاری .
مبارزه برای برابری حقوق زنان و مردان در ازدواج ، طلاق ، ارث و سرپرستی فرزندان .
آزادی تشکل های مستقل زنان .
ممنوعیت تعدد زوجات و ازدواج اجباری .
آزادی پوشش و لغو کلیه تبعیضات جنسی .
تضمین حق تصمیم فردی زنان در سقط یا حفظ جنین .

مبارزه برای تأمین حقوق کارگران

حق تشکل ، اعتصاب و بستن قراردادهای دستجمعی .
شش ساعت کار در روز و دو روز متوالی تعطیل در هفته .
افزایش میزان دستمزد متناسب با سطح تورم و بالا رفتن هزینه های زندگی .
برقراری شش هفته مرخصی با حقوق برای کارگرانی که بیش از شش ماه در یک موسسه کار کرده اند .
ممنوعیت کار شبانه و اضافه کاری در تمام رشته ها ، مگر در مواردی که بدلائل فنی اجتناب ناپذیری آن توسط تشکل های کارگری تائید شده باشد .

در اینصورت دستمزد شب کاری نباید از دو برابر دستمزد کار در روز کمتر باشد و دستمزد یک ساعت اضافه کاری نباید از دو و نیم ساعت کار در روز محاسبه شود .

آزادی تشکل های کارگری در تنظیم قوانین و روابط کار ، بازرسی و دخالت در امر تولید و فروش .

اتخاذ تدابیر لازم بمنظور مصونیت جانی و جلوگیری از سوانح و حوادث کار و حفظ تندرستی کارگران در محیط کار (ایمنی و بهداشت محیط کار)
تامین مسکن و محل زندگی مناسب ، پرداخت مابه التفاوت هزینه مسکن در صورتیکه بیش از مبلغ مقرر در دستمزد بوده باشد .

پرداخت کامل حقوق به کارگرانی که در اثر سوانح و یا شرایط کار سلامتی خود را از دست داده اند . به میزان آخرین دستمزد دریافتی و افزایش آن به تناسب افزایش هزینه های زندگی .

تامین کار برای بیکاران و پرداخت حقوق دوران بیکاری و افزایش آن متناسب با سطح تورم .

برقراری سیستم تامین اجتماعی و حقوق بازنشستگی در کبله سطوح .
کنترل نحوه اجرای قوانین و مقررات کار و بازرسی شرایط کار ، ایمنی و بهداشت محیط کار توسط نمایندگان کارگران و تعمیم آن به کلیه کارگاهها و حوزه های کار اصناف ، پیشه وران ، صنایع دستی ، روستایی ، کشاورزی ، معادن ، راه ها و غیره .

تشکیل دادگاههای کار در تمامی رشته ها با شرکت نمایندگان تشکل های کارگری .

تقلیل ساعات کار کارگران صنایع فرش بافی ، نساجی ، معادن ، آجرپزیها و مشابه آنها و افزایش کنترل بهداشتی و ایمنی محیط کار و محدودیت سن بازنشستگی در اینگونه مشاغل .
ممنوعیت کسر دستمزد به هر دلیل .
ممنوعیت کار کنتراتی و قطعه کاری .

در زمینه کار و زندگی در روستاها و کشاورزی

الغای کلیه دیون و بدهی دهقانان زحمتکش .
برقراری تامین اجتماعی و حقوق بازنشستگی در سطح روستاها و مراکز کوچ نشین .
تامین مراکز آموزشی گسترش مدارس ، مهد کودک ، بیمارستان و مراکز درمانی .
ایجاد ورزشگاه و محیط تفریحات سالم .
تامین وسایل و ابزارهای مکانیزه ، تامین کود ، بذر و امکانات علمی و فنی جهت ارائه خدمات کشاورزی و آموزش کشاورزان .
ایجاد کانالهای آبرسانی ، راه های حمل و نقل و مراکز خدمات ایمنی در روستاها و مراکز کشاورزی .
نوسازی روستاها و مراکز تولید کشاورزی با مصالح و امکاناتی که در مقابل حوادث طبیعی نظیر زلزله و سیل و توفان مقاوم باشند .
لغو کلیه عوارض محدود کننده عرضه محصولات کشاورزی .

ممنوعیت بکارگیری کلیه قراردادهای ، مناسبات و سنتهای مرسوم در روستاها که خصلت برده ساز داشته و بمنظور سود بیشتر بکار گرفته می شوند .

ب : فراخوان به وحدت و انسجام جنبش کمونیستی

پایان دادن به تشتت و پراکندگی میان کمونیستها و وحدت اصولی صفوف آنها ، یکی از ملزومات ارتقای سطح آگاهی ، شکل و رزمندگی طبقه کارگر و پیروزی انقلاب اجتماعی است . مبارزه برای وحدت صفوف کمونیستها را نباید با قید و بند از پیشی محدود کرد . بر این مبنا ، ما همه احزاب ، سازمانها ، محافل و جریاناتی را که :

اصل مارکسیسم و سوسیالیسم علمی را بعنوان جهانبینی و تکیه گاه علمی طبقه کارگر می پذیرند .

بررسی انتقادی گذشته را بخاطر آموزش از تجربیات آن و مرزبندی با انحرافات درون جنبش کمونیستی قبول دارند .

و اتکا به جنبش کارگری بمنظور قرار دادن پایه فعالیت سوسیالیستی بر مبنای مبارزه طبقاتی را می پذیرند ، دعوت می کنیم تا در یک نشست مشترک اصول و پایه های اتحاد و چگونگی آغاز مباحثات لازم برای وحدت حزبی را مشترکاً پی ریزی کنیم .

پ : اتحاد فراگیر نیروهای طرفدار سوسیالیسم ، طبقه کارگر و زحمتکش در شرایط کنونی و در این برهه از زمان که تمامی نیروهای طرفدار نظم کهنه و طرفداران تحکیم و تثبیت وضع موجود و نمایندگان بخشهای

مختلف سرمایه با استفاده از امکانات تبلیغی و ترویجی در سطح داخل و در عرصه جهانی به تبلیغ و ترویج برنامه های خود پرداخته و در حال بسیج و سازماندهی نیرو هستند .

اتحاد فراگیر نیروهای طرفدار سوسیالیسم یعنی نیروی عظیم کار و زحمت بر مبنای مصالح و منافع طبقاتی صرف نظر از مرام ، عقیده ، مذهب و غیره در برابر نیروی سرمایه ، از ملزومات تشکل یابی صفوف کارگران و زحمتکشان و پیروزی جبهه کار و زحمت بر ارتجاع طبقاتی است . ما برای مبارزه عملی مشترک در این راه ، برنامه زیر را به همه نیروهای طرفدار سوسیالیسم پیشنهاد می کنیم :

۱- ارتقای سطح آگاهی طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه نسبت به منافع و مصالح طبقاتی و ماهیت نظام سرمایه داری ، ماهیت دولت و نظام جمهوری اسلامی و چشم انداز سوسیالیسم .

۲- سازماندهی و مشارکت عملی در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان و گذار به سوسیالیسم .

۳- مبارزه برای تحقق برابری زن و مرد ، مبارزه با مرد سالاری و کمک به تشکل یابی زنان .

۴- دفاع بی قید و شرط از آزادی بیان ، عقیده ، مرام ، مطبوعات ، تشکل ، اعتصاب ، اجتماعات و تظاهرات .

۵- مبارزه برای جامعه ای سکولار ، جدایی دین از دولت ، برسمیت شناختن حق داشتن و نداشتن مذهب و لغو امتیازات مذهبی .

- ۶- ممنوعیت کامل تفتیش عقاید و اعمال شکنجه و لغو حکم اعدام .
- ۷- همبستگی بین المللی کارگران .
- ۸- برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملل تا جدایی کامل .
- ۹- مبارزه برای محیط زیست سالم و انسانی .

کارگران جهان متحد شوید!



سازمان اتحاد فدائیان
کمونیست اتحادی است از
کمونیستها که با نگرش
نوینی به جامعه خود ایران
و جهان و با الهام از
آموزشهای مارکسیسم و
تجربه غنی جنبش کارگری و
انقلابی جهان برای ساختن
جامعه ای آزاد ، همبسته
و عاری از ستم و سرکوب
و بهره کشی انسان از انسان
مبارزه میکنند. به امید جهانی
که در آن از جنگ تبعیض
نژادی ، جنسیتی ، مذهبی ،
مللی و طبقاتی خبری نباشد .